



رسول جعفریان

نوآوریهای غیر معمولی و نه لزوماً غیر عادی و نادرست غالباً موجب پیدایش چنین موجهایی در محافل علمی جامعه می‌شود و این به دلیل آن است که در این گونه موارد معمولاً برخوردی میان افکار و طرز تلقیهای پیشین و دریافتهای جدید، در ذهنیت جامعه به وجود آمده و تعدادی از دانشمندان و صاحب نظران مربوط را به نوشتن رساله‌هایی در ردّ و یا

گاهی اتفاق می‌افتد مسئله علمی خاصی، ناگهان مورد عنایت عالمان و محققان قرار گرفته و در شرایط زمانی و مکانی ویژه و در مدت کوتاهی رساله‌های متعددی در باره آن نوشته می‌شود.

بدیهی است تنها برخی از مسائل، چنین وضعیتی دارند؛ آن هم در شرایطی که نوعی حساسیت سیاسی-اجتماعی و یادینی در طرح آنها نهفته باشد.

پژوهشی در رساله‌های نماز جمعه در دوره صفویه

اثبات بینش قبلی یا جدید در باره مسئله مورد نظر تحریک می‌نماید، در تاریخ جریانات فکری اسلام، نوشته‌های فراوانی از این دست در باره موضوعات و مسائل مختلف مانند رساله‌هایی که حنابله در مدت کوتاهی در ردّ جَهْمِیّه و اشاعره در ردّ اسماعیلیّه نگاشتند، در دست داریم.

بررسی مسائل فکری - فرهنگی دوران صفویه نشان می‌دهد که از این نمونه مسائل در آن مقطع تاریخی نیز فراوان وجود داشته است. رساله‌هایی که به منظور دفاع از اخباریگری یا تفکر اصولی، نوشته شده و یا رساله‌هایی که در رد یا قبول تصوف نگاشته شده و همچنین رساله‌هایی که در باره حکم فقهی خُراج، رضاع، و یا نماز جمعه به رشته تحریر درآمده همه و همه از جمله جریانات پیوسته فرهنگی این دوره از تاریخ به شمار می‌روند.

در اینجا به یک بررسی تحلیلی از سیرنگارش رساله‌های نمازجمعه همراه با ارائه فهرست این رساله‌ها می‌پردازیم. از کثرت تألیف این رساله‌ها در مقطع زمانی یاد شده، چنین برمی‌آید که زمانی بحث از نماز جمعه بسیار جدّی بوده و فقها با شور و حرارت زیادی در باره آن

به تحقیق و تألیف می‌پرداخته‌اند چنانکه در طول سیصد سال، در حدود نود رساله مستقل - غیر از مباحثی که در ضمن کتابهای فقهی به طور گسترده آمده در این زمینه نوشته شده است. شاید کمتر فقیه و باعالم مشهوری در این سیصد سال زندگی کرده و درباره این مسئله رساله‌ای ننوشته باشد. اهمیت بحث در این زمینه به حدّی رسیده بود که در باره برخی از مسائل اختلافی آن از جمله دریافت درست اظهار نظرهای فقهی متقدّم و متأخر، طومارهایی تهیه و نزد فقهی‌های برجسته وقت برده می‌شد تا در ذیل آن، دریافت خود را درباره نظرات آنان بنویسند. به عنوان نمونه:

«بنده درگاه، شیخ علی که از اصرار محقق سبزواری دایر براتفاق فقهی متقدّم و برخی از متأخرین به وجوب عینی نمازجمعه، بسیار نگران شده بود، متن این طومارها را تنظیم کرده و نزد علمای معروف می‌برد تا نظرشان را در این خصوص در ذیل آن بنویسند.

او خود چنین می‌نویسد:

حضرت آخوند در باره دلالت کلام شیخ در خلاف و نهاییه و کلام علامه در مختلف و کلام شیخ شهید در ذکر بر وجوب عینی اصرار داشت

و عبارات کتب دیگر را بر غیر مراد
محمول، ادعای ظهور در آن می نمود
و بنابراین در شبی از شبها که در خدمت
دستور اعظم، میانه حقیر و حضرت آخند
سخن می رفت حسب الاستدعای طرفین
پاره [ای] از آن عبارات متنازع فیها
در طوایر و تعلیقه مطاعه در حاشیه هریک
از آن طوایر مرقوم شد که علمای
دارالسلطنه بعد از تأمل، بیان نموده
بنویسند که حال بر چه سانست، پس
نزدیک هریک فرستاده می شد و ایشان
بعد از مطالعه و تعمق نظر، فهمیده خود را
مرقوم می ساختند تا آنکه در عرض سی
چهل روز به اتمام رسید، در پایه سریر
خلافت مصیر سلیمانی به تفصیل خوانده
و چون ثبت آنها مثمر فواید است لهذا
در صورت همگی چنانکه هست بدون
تغییر و تبدیل و نقصان ثبت می گردد.
وبالله التوفیق».

او پس از درج عین عبارات فقها
در طومار خطاب به علما چنین
نوشته است.

«علمای اعلام و فضلاء فخام
کثرهم الله فی الانام، اعلام نمایند که
عبارت مستور متن، دلالت صریح بر
عینیت و جوب نماز جمعه در حال غیبت
معموم دارد و صاحب این کلام قایل به
بزهشی در رساله های نماز جمعه در دوره صفویه

و جوب عینی است یا نه؟. بنده در گاه شیخ
علی».

علمای معروف اصفهان هر کدام
نظر خود را ضمن چند سطر نوشته
و در ذیل آن، نام خود را نیز می نوشتند
مانند: حسین خوانساری، محمد حسین
بروجردی، محمد صالح، علاءالدین
محمد، آقا جمال خوانساری، محمد علی
استرآبادی، علی بن محمد، محمد سعید
طباطبائی، محمد تقی نقیب حسینی،
محمد رحیم عقیلی، محمد جعفر، تقی الدین
محمد رضوی، محمد باقر، روح الامین
حسینی، جمال الدین حسینی تفرشی^۱

نوع نظری که در مورد عبارات
علمای گذشته داده شده، اعتقاد آنان به
عدم وجوب عینی است. چنین حرکتی
نشانه اهمیت این بحث در میان علمای
شیعه در این دوره است که مانظیر این
اقدام را در دیگر مباحث علمی سراغ
نداریم مگر به صورت استفتاها که آن
هم مسئله دیگری است.

رساله هایی در این زمینه که
اکنون در دسترس ماست به طور عمده
در رد و ابرام یکدیگر است، مخصوصاً
.....

۱- مجموعه عطفی شماره ۴۶۵۹، کتابخانه
مرکزی دانشگاه.

بسیاری از آنها در عمل به عنوان ردّ بر رساله‌های بخصوصی نگاشته شده است. با جستجویی که ما انجام داده‌ایم قریب نود رساله در این زمینه نوشته شده که اکنون تنها بخشی از آنها برای ما شناخته شده و نسخه‌ای از آن در دست است و تا آنجا که برای ما مقدور می‌باشد، نسخه‌هایی از رساله‌های موجود را معرفی خواهیم کرد.

از این نود رساله، چهل و هفت تای آن در اثبات وجوب عینی نماز جمعه نوشته شده که بسیار قابل توجه است و تعدادی دیگر از آنها در اثبات وجوب تخییری و تعدادی هم در اثبات عدم وجوب عینی - اعم از اینکه واجب تخییری باشد یا حرام - و سیزده رساله صریحاً در اثبات حرمت اقامه جمعه در عصر غیبت نوشته شده است و به دلیل دسترسی نداشتن به برخی از نسخه‌ها، مشخص نشد که نویسندگان پانزده رساله دیگر از این مجموعه رسایل به کدام یک از نظریات بالا گرایش داشته‌اند.

چنین به نظر می‌رسد که نخستین رساله را محقق کرکی در اثبات وجوب تخییری در دوران سلطنت شاه طهماسب و رساله بعدی را قریب چهل سال پس از

آن، شهید ثانی در اثبات وجوب عینی نماز جمعه در عصر غیبت نوشته باشد^۲ همین رساله است که با تأکید بر وجوب عینی، دیگران را تحریک به نوشتن رساله نموده و به دنبال آن این جریان اوج گرفته است.

برای ریشه‌یابی مسئله و شرایطی که موجب شد تا چنین جریان پیوسته‌ای درباره نماز جمعه به وجود آید، مسائل مختلفی را باید مؤثر دانست. به طوری که اشاره شد این نوآوری شهید ثانی در این باب - گرچه به نظر او فقهای معروفی در گذشته بدان اعتقاد داشته‌اند - خود عامل اصلی تحریک سایرین برای پاسخگویی گردید و به عبارت دیگر برهم زدن ذهنیت فقهی حاکم در مورد این مسئله، دیگر فقها را بدین کار وا داشت.

منتقدان گاهی در کنار بحث از بُعد فقهی نماز جمعه به مسائل دیگری - از قبیل استناد شهید در اثبات وجوب عینی به مرسلاتی که از طرف اهل سنت نقل

.....

۲- به نظر بسیاری از رده‌نویسان بر این رساله، شهید اولین فقیهی است که بحث وجوب عینی نماز جمعه را در عصر غیبت پیش کشیده است.

شده^۳ و در نتیجه تأثیرپذیری وی از جوّ تسنّن حاکم در محل زندگیش - اشاره کرده‌اند. بعدها حسین بن عبدالصمد، پدر شیخ بهایی نیز وجوب عینی اقامه نماز جمعه را بخصوص به علت رفع تشیع اهل سنت و تهمت‌های آنان، لازم شمرده است.^۴ درست در مقابل این اتهام که قایلین به وجوب عینی متهم بدان بودند، فیض کاشانی که خود از طرفداران نظریه شهیداست، کسانی را که اذن امام را شرط وجوب عینی اقامه جمعه عنوان کرده‌اند، متأثر از اهل سنت که نوعاً نماز جمعه را به دستور حکام تعیین امام جمعه از طرف آنها برپا می‌داشتند - قلمداد کرده است.^۵ همین اتهام را محقق سبزواری نیز بر مخالفان وجوب عینی وارد آورده است.^۶

تصور اینکه پیدایش حکومت شیعه مذهب صفوی در این امر دخالت داشته، گرچه از بیخ و بن نادرست نیست ولی شکل درست آن را به زودی مشخص خواهیم ساخت.

رساله‌های نماز جمعه و اخبارها

می‌دانیم که جنگ اخباری و اصولی در دوران صفویه دو باره اوج گرفت، گرچه چنین تضادی از قرن‌ها پیش میان این دو دسته وجود داشت اما ظهور آن در

بزهشی در رساله‌های نماز جمعه در دوره صفویه

عرصه اعتقادات شیعی بخصوص به دست عبدالجلیل قزوینی مؤلف کتاب النقض، گزارش شده است. موضع این دو گروه درباره نماز جمعه شایان توجه است، زیرا - بجز افراد معدودی - نوع کسانی که به وجوب عینی آن قایلند از اخباریها شناخته می‌شدند، البته از اخباریهای که بعدها پیدا شده و به طور کلی مخالف هر نوع گرایش عقلی بودند بجز

۳- رک: البدر الزاهر، ص ۱۳. احتمالاً مقصود نویسنده کتاب «ردّالجمعة الی اهلها» همین مطلب بوده است.

۴- القدر الطماسبی، رک: فهرست نسخه‌های خطی مجلس، ج ۴، ص ۷۸.

۵- الشهاب الثاقب، ص ۹. فقهای اهل سنت جز حنفی‌ها قایل به اذن امام و خلیفه برای وجوب عینی نماز جمعه نیستند و نقل شده که آنها در این مسئله از شافعی تقلید می‌کردند. در عین حال حکومت‌های سنی همواره بر نماز جمعه نظارت داشته و ائمه جمعه را نیز آنها تعیین می‌کردند.

۶- مجموعه ۴۶۵۹ دانشگاه تهران.

و مجلسی جواب داده که اگر در مسائل مهم، علمای ما این چنین متأثر از سنیها باشند دیگر به کدام قول ایشان می‌توان اعتماد کرد (همان صفحه).

شهید ثانی - ره که وجوب عینی نماز جمعه را مطرح کرده و خود از اصولیهای سرشناس به حساب می آید، اکثریت قایلین به این حکم - مانند فیض و علامه مجلسی و... که از جهتی به طور حتم اخباری بودند - از این گروه برخاسته اند. فیض در رساله نماز جمعه اش در باره قایلین به وجوب عینی نماز جمعه می نویسد:

وَكَانَ أَكْثَرُهُمْ الْأَخْبَارِيُّينَ مِنْ أَصْحَابِ الْحَدِيثِ، مِنْ أَهْلِ الْفِطْنَةِ وَالْفَهْمِ وَالْتَفْوُّ وَالذِّينِ^۷

او در جای دیگر اهل رأی و اجتهاد را معتقد به عدم وجوب عینی جمعه قلمداد کرده است^۸

نویسندگان برخی از رساله های مربوط به نماز جمعه، آشکارا اخباری بوده و به همین عنوان هم شهرت دارند^۹ ممکن است چنین تصور کرد که گرایش به تفکر اصولی در عصر صفوی رو به ضعف نهاده و سرشناسان علمای موجود در این روزگار از اخباریها بوده اند که برخی به پیروی از پاره ای روایات و برخی نیز به هدف اینکه خود را در چند و چونهای اصولیان دچار نکنند به تقلید از اعلام خود، این حکم را پذیرفته اند، مهمتر از این مطلب آن است که گرایش

به اخباریگری که به هر دلیل از آغاز دوره صفویه پدید آمد، خود را رودرروی فقهای متأخر می دید زیرا از شیخ طوسی به بعد گرایش به اصول هر روز به قدرت و گسترش خود می افزود چنانکه در این اواخر (دوره صفوی) نوعاً ادله عقلی از نظر مقبولیت برپاره ای از ادله روایی پیشی گرفته بود بنابراین نوعی تقابل در فتوا به خاطر تقابل این فقها با فقهای پیش از خود به وجود آمد.

لازم به تذکر است گرچه در میان اصولیان گرایش به وجوب تخییری نماز جمعه شایع بود ولی قایلین به حرمت آن نیز در بین آنها وجود داشت کما اینکه شهید ثانی خود به عنوان یک اصولی مشهور ویلند پایه، قول به وجوب عینی آن را به طور آشکار بنیانگذاری کرد.

علیرضا تجلی در ردیه ای که بر محقق سبزواری نوشته به کنایه، پیوند خویشی موجود میان قایلین به وجوب عینی را مؤثر دانسته و در برابر این

.....

۷- الشهاب الثاقب، ص ۴۷.

۸- الشهاب الثاقب، ص ۸.

۹- رک: الذریعه، ج ۱۵، ص ۶۳، ۶۷.

۷۳

عبارت سبزواری که در آن قایلین به وجوب عینی را از قبیل شیخ زین الدین معروف به شهید ثانی، شیخ حسین بن عبدالصمد، شیخ حسن بن شیخ زین الدین، شیخ محمد بن شیخ حسن، و سید علی سایغ و سید محمد صاحب مدلرک و مولا عبدالله شوشتری می‌داند، چنین می‌نویسد:

مخفی نیست که تمامی آن جماعت که با این شد و مد مذکور ساخته، راجع می‌شوند به پدر و پسر زاده و داماد و دخترزاده و شاگرد و اصل همه از پدر است که از او به ایشان رسیده^{۱۰} البته روشن است که این خرده‌گیری در مورد بسیاری از قایلین به وجوب عینی نارواست.

سابقه تاریخی اقامه جمعه در میان شیعیان

از آنجا که مخالفین وجوب عینی نوعاً در مقام استدلال بر نظریه خود به مرسوم نبودن اقامه جمعه در میان شیعیان استناد کرده و آن را بهترین دلیل بر عدم وجوب عینی از نظر آنها دانسته‌اند، اشاره ای به سابقه تاریخی آن لازم به نظر می‌رسد. در واقع از اینکه شیخ حسین بن عبدالصمد، پدر شیخ بهایی وجوب اقامه جمعه را برای دفع تشیع سنیان لازم دانسته، چنین برمی‌آید که اقامه این نماز در آن پژوهشی در رساله‌های نماز جمعه در دوره صفویه

زمان در میان شیعیان معمول نبوده است. همچنین از تحلیل قایلین به وجوب عینی دایر بر اینکه عدم اقامه جمعه در میان شیعیان به علت تقیه بوده و نیز تأکید بر اینکه ائمه جمعه، نوعاً از طرف حکام جور تعیین شده و عادل نبوده‌اند، نشانی از آن است که آنها نیز پذیرفته بودند که اقامه جمعه در میان شیعیان معمول نبوده است؛ آنها می‌گفتند: شیعیان نه می‌توانستند باتوجه به شرط عدالت در ائمه جمعه و جماعت، در پشت سر ائمه جمعه غیر عادل نماز بگذارند و نه خود به طور مستقل قادر به اقامه آن بوده‌اند.

اشکالی که بر این استدلال وارد می‌شود این است که چرا شیعیان در دورانی مانند دوره آل بویه و... که خود صاحب قدرت و حکومت مستقلی بوده‌اند باز از اقامه این نماز سرباز زده‌اند^{۱۱}؟

البته نویسنده در کتاب خاصی

تصریح به عدم اقامه جمعه راندریده است و عدم ذکر، دلیل بر عدم وجود آن نمی‌شود، اما همین که گزارش موثقی در

.....
۱۰- مجموعه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه، شماره ۴۶۵۹.
۱۱- در باره خواندن نماز جمعه توسط شیخ مفید در مسجد برائا ر. ک: المنتظم

این باره در کتابهای مربوط نیامده و بویژه فتوای صریحی بر وجوب عینی در دست نیست، شاهد آن است که اقامه جمعه در حدّ یک مسئله واجب عینی در میان شیعیان مطرح نبوده است.

در عین حال یک نص تاریخی بر ارزش از کتاب نقض در دست داریم که اقامه جمعه در شهرهای شیعه را گزارش داده و در عین حال شرط اذن امام برای وجود آن را نیز متذکر شده است. می‌دانیم که کتاب *النقض* در مقام ردّ بر کتاب «*بعض فضائح الروافض*» نوشته شده که نویسنده آن، شیعیان را به ترک اقامه جمعه متهم ساخته و *عبدالجلیل* در پاسخ او چنین نوشته است:

...آنکه از کجا مسلم است که شیعت نماز آدینه نکند که معلوم است از مذهب بوحنیفه که در شهری منعقد باشد که هر صنفی از اصناف محترفه و صنایع [پیشه و ران و صنعتگران] در آن شهر باشند و گر یکی در باید نباشد] وجوب ساقط باشد و به مذهب شافعی باید که چهل نفس حاضر باشند تا نماز آدینه واجب باشد و گر کمتر از این عدد باشند، واجب نباشد و به مذهب اهل بیت علیهم السلام چنانست که چون هفت شخص باشند، نماز آدینه دو رکعت

واجب باشد بعد از خطبه، پس نماز آدینه در وجوب به مذهب شیعت موکدتر است از آنکه به مذهب فریقین^{۱۲}

تا اینجا از استدلال قزوینی چنین بر می‌آید: شرایطی را که شیعه برای تحقق وجوب نماز جمعه تعیین کرده اند، نشان می‌دهد که آنها وجوب این نماز را با تکیه‌ی به مراتب بیشتر از دیگران مطرح کرده اند؛ این معنا، همان سخنی است که شهید و دیگران از *عماد الدین طبری* در کتاب او به نام *نهج الفرقان الی هدایة الایمان* (یا الی سبیل الایمان) آورده اند:

إِنَّ الْأَمَامِيَّةَ أَكْثَرُ إِجَابًا لِلْجُمُعَةِ مِنَ الْجُنْهُورِ وَتَمَّ ذَلِكَ يُشْتَمُونَ عَلَيْهِمْ بِتَرْكِهَا حَيْثُ إِنَّهُمْ لَمْ يُجْتَوِزُوا الْإِيْتِمَامَ بِالْفَاسِقِ وَتُرْتَكِبِ الْكِبَائِرَ وَالْمُخَالَفَ فِي الْقَبِيْدَةِ الصَّحِيْحَةِ^{۱۳}

با همه اینها *عبدالجلیل قزوینی* شرط اذن امام برای وجوب آن را پذیرفته

۱۲- *النقض*، ص ۳۹۵.

۱۳- *الشهاب الثاقب*، ص ۴۸. همگونی عبارتهای قزوینی و *عماد الدین طبری* را *علیرضا تجلی* در رساله *ردیه* خود بر محقق سیزواری متذکر شده است، رک: مجموعه ۶۵۹ دانشگاه تهران.

و در توجیه آن می‌نویسد:

و اگر روا باشد که بافقد
غریبالگری و درزن کنی^{۱۴} و جوب نماز
آدینه ساقط باشد چنانکه شیعه گویند
بافقد امام معصومی نماز آدینه فریضت
به جماعت ساقط باشد، با آن قیاس
می‌باید و نیک تأمل باید کردن تا فایده
حاصل آید^{۱۵}

عبارت فوق اشاره است به این
که اگر چنانچه بر اساس شرایط
ابوحنیفه با نبودن پیشه‌وری خاص در
شهر، و جوب نماز جمعه ساقط شود، چرا
طبق قول شیعه بافقد امام معصوم - ع -
و جوب آن ساقط نشود؟ چگونه شرط
ابوحنیفه با تمام بی‌اهمیتیش رعایت
می‌شود ولی به شرط شیعه توجهی
نمی‌شود؟

روشن است که قزوینی خود اذن
امام معصوم را شرط و جوب اقامه جمعه
می‌دانسته ولی از آنجا که گزارش اقامه
این نماز را در شهرهای شیعه می‌دهد،
گویا آن را بر مبنای وجوب تخییری روا
دانسته و یا تصور می‌کرده است نماز
جمعه این شهرها را معمولاً حاکمان سنی
آنها برپا داشته و شیعیان نیز به هر دلیلی
کما بیش در آن شرکت می‌کرده‌اند؛ او
در این مورد می‌نویسد:

پژوهشی در رساله‌های نماز جمعه در دوره صفویه

بحمدالله و منه در همه
شهرهای شیعت، این نماز برقرار و قاعده
هست و می‌کنند باخطبه و اقامت
[امامت، جماعت] و شرایط چنانکه در
دو جامع به قم و به دو جامع به آوه و
یک جامع به قاشان و مسجد جامع
ورامین و در همه بلاد شام و دیار مازندران
و انکار این، غایت جهل باشد^{۱۶}

ممکن است وجود مساجد جامع
در شهرهای شیعه، دلیل دیگری بر اقامه
جمعه در آنها باشد، هر چند بعید نیست
که این مساجد مانند دیگر شهرها به
دست حکام که سنی بوده‌اند
بنیاد گذاری شده باشد. از بعضی افراد
مؤثق شنیدم که مسجد جامع قم را
طغرل بنا گذاشته است و ذکر دو جامع
در قم و آوه شاید اشاره به آن باشد که
یکی از آنها برای حاکم سنی و اعوانش
و آن دیگری از آن مردم شهر بوده است.
در دوران صفویه پس از آنکه
مناصب خاصی برای علمای شیعه پدید
.....

۱۴- درزن بر وزن برزن، به معنای سوزن
است و کسی را نیز گویند که حلقه بر در زند
(محدث ارموی).

۱۵- کتاب «النقض»، ص ۳۹۴.

۱۶- همان، ص ۳۹۵.

آمد و محیط ایران محیط خالصی برای شیعه شد، زمینه اقامه جمعه به صورت گسترده تری فراهم آمد^{۱۷}

رساله های نماز جمعه بیانگر عقاید سیاسی فقهای شیعه

به دلیل آنکه شیعیان بحث امامت را در بخش اعتقادات جا داده اند، در فقه بابی تحت عنوان احکام سلطانیه منعقد نکرده و تنها برخورد آنها با حکام از یک سو و لزوم اجرای برخی از احکام اجتماعی، قضایی و اقتصادی از سوی دیگر، ضرورت طرح برخی از مسائل رهبری و سلطانی را از دیدگاه شیعیان در کتب فقهی آنان فراهم آورده است. کتابهای قضا، حدود، جهاد و امریه معروف ونهی از منکر از جمله ابواب فقهی شیعه است که گاه به بحث از فقه سیاسی و اندیشه سیاسی آنها می پردازند - ارتباط فقه سیاسی و اندیشه سیاسی شیعه روشن است - می دانیم که در امور فرعی فردی، نیازی به امام نیست و هر کس، خود آنها را انجام می دهد اما امور اجتماعی را که در ارتباط با حاکمیت، تکوین پیدا می کند، افراد به تنهایی نمی توانند به مرحله اجرا بگذارند؛ از این رو شرط وجود حاکم و حکومت در

این گونه مسائل، بدیهی است؛ پس از دوران غیبت، رسیدگی به این امور، مورد توجه فقها قرار گرفته و بنا به ادله ای که در دست آنها بود اجرای برخی از آنها را مشروط به اذن امام معصوم - ع - و پاره ای دیگر را در عهده فقهاء و یا عدول مؤمنین دانستند از جمله این مسائل یکی اقامه نماز جمعه بود که سیره عملی پیامبر - ص - و همچنین سیره خلفا آن را با حاکم پیوند داده و روایات چندی نیز

.....

۱۷- اکنون رساله هایی در دست است که غالب بمقتی از خطبه های جمعه که نشانه اهمیت عملی آنها در آن زمانهاست در آنها آمده است و یکی از آنها رساله ای است تحت عنوان «خطبات الجمعة» که در آن دو خطبه کوتاه باسجع و صنایع ادبی برای ائمه جمعه ترتیب داده شده است: فهرست کتابخانه آیت الله نجفی، ج ۸، ص ۱۵۶.

و دیگر رساله ای با عنوان «الخطب» است که موضوع آن خطبه برای نماز جمعه و دو عید می باشد (فهرست ملک، ج ۵، ص ۳۶۳) و مجموعه خطبه ها برای روزهای مختلف از جمله فی خطب الجمعة فی زمن التقیه است، (فهرست کتابخانه آیت الله نجفی، ج ۱۲، ص ۳۵۷) و رساله ای به نام «بساتین الخطباء و ریاحین العلماء» از افندی که موضوع آن خطبه های جمعه است (همان فهرست ج ۱۳، ص ۱۹۲).

در این باب که این نماز باید همراه امام برگزار شود وجود؛ داشت بحث بر سر این مسئله ادامه یافته و برخی اقامه آن را مشروط به اذن معصوم و برخی دیگر اجرای آن را به دست فقها - به دلیل آنکه مسئله مهمتر از آن (قضا) به آنان سپرده شده - کافی دانستند حتی برخی از آنان هیچ نوع شرطی را در این ارتباط نپذیرفتند. ضرورت طرح این مسئله تا آنجا گسترش یافت که فقها در باب نماز جمعه نیز بحثی در باره اختیارات سیاسی فقیه مطرح کرده و هر کدام عقیده ای را انتخاب کردند و بدین وسیله این فرع فقهی موقعیت و محلی مناسب - ولو مختصر - برای این گونه مباحث، برای خود کسب کرد.

اولین رساله ای که به وسیله محقق کرکی نگاشته شد و در آن وجوب تخییری نماز جمعه را به اثبات رسانید، در شکل رساله ای در بحث از ولایت فقیه از آب درآمد. او وجود امام معصوم و یا نایب خاص او را شرط اقامه جمعه و در عین حال وجود نایب عام را نیز برای اقدام به این واجب در عصر غیبت کافی دانست، ولی از آنجا که فقها نوعاً در عصر غیبت فتوا به وجوب عینی نداده بودند، اقامه آن را با حضور نایب عام پژوهشی در رساله های نماز جمعه در دوره صفویه

بر اساس واجب تخییری عنوان کرد تا با اجماع علماء دائر بر قول بر عدم وجوب عینی، درگیر نشود. او برای اثبات اینکه نایب عام بانایب خاص تفاوتی ندارد ادله ولایت فقیه را پیش کشید، که ما محتوای رساله او را به طور مختصر ارائه خواهیم داد.

بعد از او کسانی که در رد و یا تأیید نظر وی رساله نوشتند مجبور بودند در این باب اظهار نظر کنند. در رساله «جُمُعَةٌ مِنْ سَائِلِ الْجُمُعَةِ فَصَلَى بِأَيِّ عَنَّاوِينِ: «هل الفقيه له صلوح النيابة ام لا» ویا «فی ان انعقادها مشروط بالسلطان العادل ام لا» آمده است^{۱۸}

معمولاً کسانی که به وجوب عینی نماز جمعه قایل بودند، شرط اذن امام معصوم در عصر غیبت را نمی پذیرفتند تا نوبت به صلاحیت نیابت فقیه برسد و قایلین به حرمت نیز اساساً اذن امام معصوم را چه در حضور او و چه در عصر غیبت، شرط لازم می دانستند از این رو اقامه جمعه را در عصر غیبت به دلیل آنکه شرط لازم صحت آن موجود

۱۸- رک: فهرست کتابخانه آیت

الله مرعشی، ج ۸، ص ۲۲۱، مجموعه

۳۰۲۲

نیست، روا نمی‌دانستند، از سه نظر موجود درباره نماز جمعه، در عمل، وجوب تخییری در میان فقها، طرفداران بیشتری پیدا کرد زیرا این نظر هم شرط را قبول داشت و هم نیابت فقیه جامع شرایط را برای اقامه آن کافی می‌دانست. در این بحثها نکته مهم این است که آیا منظور از کلمه امام در روایات، همان امام معصوم است و یا اعم از اوست؟^{۱۹} نوع فقها بر این باور بودند که مقصود از این کلمه، امام معصوم است، گرچه بحث بر سر آن مدتها ادامه داشت. تأثیر این مسئله در فقه سیاسی شیعه روشن است.

صفویان و اقامه نماز جمعه

غیر از مباحث فقهی که در میان فقها در جریان بود، زنده شدن بحث نماز جمعه حداقل از یک ناحیه با پیدایش دولت صفویه ارتباط داشت، توجه به انبوه رساله‌هایی که در این دوران در باره نماز جمعه نوشته شده مؤید این ادعاست.

صفویان با آغاز حکومت رسمی خود از لحاظ گنجانیدن مناصب دینی مانند مقامهای صدر و یا شیخ الاسلامی، همانند بسیاری از جهات دیگر از جمله تأسیس مناصب اداری در چارچوبه

سیاستهای خود، از حکومتهای پیشین حاکم در منطقه بویژه دولت عثمانی تأثیر پذیری داشتند.

نماز جمعه در سرتاسر کشور عثمانی برگزار می‌شد حالا که شیعیان حکومت مستقلی تشکیل داده و مناصب دینی خود را نیز در سطحی قابل توجه دارا هستند چرا نماز جمعه را برپا ندارند، مقصود از عنوان فوق لزوماً دستور سلاطین صفوی برای اقامه جمعه نیست بلکه منظور تأثیر تأسیس حکومت مستقل شیعی در پیدایش این فکر است که شاید نظر ائمه معصومین - ع - عدم اقامه آن به طور مطلق بلکه ترک اقامه آن با حاکمان سنی بوده است و اینک که آن وضع از میان رفته، شیعیان می‌توانند با وجود نایب عام، نماز جمعه را برپا دارند.

این نکته نیز لازم به تذکر است که وجوب تخییری که نخست بار محقق کرکی - در زمان شاه طهماسب - مطرح کرد و همان نیز مبنای اقامه نماز جمعه شد، مبتنی بر اثبات قدرتی مستقل از قدرت شاه برای فقیه بود.

۱۹- در این باره رک: مجموعه ۴۶۵۹ دانشگاه تهران.

آن دسته از فقها که قایل بر وجوب عینی نماز جمعه بودند اساساً شرط وجود امام معصوم و یانایب خاص و عام او را در عصر غیبت لازم نمی‌دیدند تا نیازی به سلطان باشد. از این رو می‌توان گفت: مسئله از دیدگاه کلیه فقها از لحاظ فقهی، ارتباطی با سلطان نداشت، اما در واقع چون بسیاری از مسائل عملاً در محدوده اختیارات سیاسی و رسمی سلطان شیعه بود از این رهگذر تناقضی میان قدرت فقیه و قدرت شاه به وجود می‌آید که بانوعی سازش میان این دو قدرت فیصله می‌یافت، به این ترتیب که هرچند امام جمعه را شاه تعیین می‌کرد اما اجباراً می‌بایستی فقیه جامع الشرایطی را بدین سمت منصوب نماید و فقیه نیز که از نظر فقهی خود را نصب شده از ناحیه ائمه معصومین - ع - می‌دانست، لزومی نمی‌دید از اقامه جمعه خودداری کرده و حکم شاه و تعیین او را رد کند. از این جهت نماز جمعه هم تقویت موضع فقیه و هم تقویت موضع شاه دین باور در جامعه بود که دیانت خود را به هر طریقی می‌بایست ثابت کند، و ساختن مسجد شاه اصفهان به منظور اقامه جمعه و جماعت در آن، به همین دلیل بود و امام جمعه و جماعت پژوهشی در رساله‌های نماز جمعه در دوره صفویه

این مسجد رسماً از طرف شاه برگزیده می‌شد و برخی به اقامه جمعه به اشاره شاه شیعه در آن، تصریح کرده‌اند.^{۲۰} چنانکه مرحوم آیت الله بروجردی فرموده‌اند:

حتى ان السلطان اسماعيل الصفوي قد مال الى اقامتها في قبال العثمانية و كانت الصفوية يعينون اشخاصاً لإقامة الجمعة في البلدان^{۲۱}

رضوی کاشانی از منتقدان وضعیت دینی جامعه ایران در اواخر عهد صفوی، رسماً به پیوند ائمه جمعه و جماعت با حکومت و ریاست خواهی برخی از آنان که به همان دلیل به اقامه جمعه روی آورده‌اند و اینکه امام جمعه صاحب نفوذ اجتماعی بوده و از نظر او باعث بروز مشکلاتی برای روحانیون مخصوصاً از لحاظ اخلاقی شده‌اند، اشاره کرده است^{۲۲} به نظر می‌آید بسیاری از

۲۰- رک: روضات الجنات ج ۶، ص ۸۲.

۲۱- البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر، ص ۷.

۲۲- حدیقة الشیعه، عبدالحی بن عبدالرزاق رضوی کاشانی، تألیف شده به سال ۱۱۱۲، کتابخانه آیت الله نجفی، شماره ۱۱۲۴، برگهای ۲۹، ۴۱، ۳۵، ۳۶.

تندرویهای او در اهانت به برخی از علما، ناشی از مسائل شخصی باشد، اما در عین حال قابل توجه است.

شهیدثانی که در اوج قدرت صفوی حاضر به سکونت در ایران نشده و حتی برای آنکه دچار صفویان نشود از زیارت حضرت ثامن الائمه - ع - خودداری فرمود، خود از اولین کسان یا به عبارت بهتر در چندسده قبل از خود از میان فقیهان احتمالاً اولین کسی بود که فتوا به وجوب عینی نماز جمعه را صادر کرد و این خود نشان آن است که استخراج حکم فقهی این نماز تحت تأثیر دستور سلاطین وقت نبوده بلکه آنچه مؤثر بوده، نفس پیدایش یک حکومت شیعی است و تعدادی از شیخ الاسلامهای مهم که قایل به حرمت اقامه جمعه بودند در همان عصر حکومت صفویان زندگی می کردند از قبیل شیخ علی نقی کمره‌ای که زمانی شیخ الاسلام اصفهان بوده و رساله‌ای در حرمت اقامه جمعه در عصر غیبت از خود برجای گذاشته است^{۲۳} و آقا شیخ ابراهیم مشهدی، شیخ الاسلام مشهد که او نیز رساله‌ای در تحریم این نماز نگاشته^{۲۴} و آقا جمال خوانساری که رساله خود را به فرمان

همایونی نوشته و رأی خود را دایر بر عدم وجوب عینی آن ابراز کرده است^{۲۵} البته کسانی چون میرداماد و شیخ بهایی از بزرگان علمای عصر شاه عباس اول، قایل به وجوب تخییری نماز جمعه بودند و همین مقدار نیز برای فراهم شدن زمینه اقامه جمعه به صورت رسمی بسیار مؤثر بوده است.

اهمیت اقامه جمعه تنها هدف حکومت در تمام دوره‌ها - مخصوصاً زمانی که شاه، فقها را رقیب خود می‌پنداشته - نبوده است بلکه این علما بودند که وقتی احساس می کردند با اقامه جمعه، نفوذ بیشتری به دست آورده و بدینوسیله سیستم مطلقیتی را برای حفظ نفوذ خود در اختیار دارند، به اقامه آن اصرار می‌ورزیدند. لازم به یادآوری است که شیخ الاسلام اکثر شهرهای کشور بامشورت و یا حتی با حکم شیخ الاسلام دارالسلطنه اصفهان تعیین می‌گردید و در این زمینه به عنوان نمونه حکم شیخ بهایی را که متضمن تغییر

۲۳- رک: الذریعه ج ۱۵، ص ۷۷.

۲۴- همان، ص ۶۳.

۲۵- رک: فهرست مجلس، ج ۱۳، ص ۳.

۳۰۲.

محل شیخ الاسلام یزد به مازندران است، در دست داریم^{۲۶}

از این طریق بود که ائمه جمعه می توانستند بر کارهای حکام محلی نظارت داشته و از پایمال شدن حقوق بسیاری از محرومین جلوگیری نمایند، بدیهی است وقتی که تنها اجرای عرفیات در محدوده اختیارات حکام محلی قرار می گرفت و نوعاً قانونی هم وجود نداشت که حکام در چارچوبه آن عمل کنند، نفوذ علما در آنها و محبوبیتشان در دلهای مردم، و تمیینشان به مقام شیخ الاسلامی و امامت جمعه، آنان را به صورت سپری در مقابل تجاوزات حکام در می آورد مگر وقتی که خود علما از این نفوذ برای برخی از منافع شخصی - که خود مشکلی بر مشکلات می افزود- بهره می بردند و از جمله انتقادات رضوی کاشانی مذکور یکی همین بود، گرچه معلوم نیست انتقاد وی تا چه حدی وارد باشد، که البته به قرینه حفظ نفوذ مردمی علما، این سوء استفاده ها اگر هم وجود داشت بسیار اندک بوده است. رضوی سهل انگاری در تعیین افراد برای این مقام را منشأ این خرابیها دانسته در حالی که در اوایل، سختگیری بیشتری برای تعیین پژوهشی در رساله های نماز جمعه در دوره صفویه

افراد لایق وجود داشته است^{۲۷}
اینک به بررسی محتوای سه رساله در باره نماز جمعه می پردازیم تا از سیر مباحث آنها نیز آگاه شویم:

- ۱- رساله محقق کرکی
محقق کرکی (۹۴۰ ق) از بزرگان علمای شیعه در دوران صفویه بود که خود را در مسائل سیاسی درگیر ساخته و به عنوان شیخ الاسلام در دولت شاه طهماسب صفوی عمل می کرد^{۲۸}
رساله نماز جمعه او از آن جهت اهمیت دارد که در آن اندیشه سیاسی شیعه بویژه ولایت فقیه را مطرح ساخته و مورد بحث و بررسی قرار داد، او رساله خود را به سال ۹۲۱ قمری تألیف کرده که در آن زمان هنوز موقعیت چندان مهمی از لحاظ حکومتی نداشته است.
اهمیت این رساله از آن جهت است که پیش از رساله شهید نگاهشته
.....
۲۶- فهرست کتابخانه ملی، ج ۵، ص ۲۷۴
۲۷- حدیقه الشیعه، کتابخانه آیت الله مرعشی، شماره ۱۱۲۴، برگ ۴۵
۲۸- در جای دیگر در باره او سخن گفته ایم.

شده و در هر حال مسئله را به طور جدی عنوان کرده است. توجه گذرایی به اهم مطالب این رساله می‌تواند روشنگر نکات قابل توجهی در سیر تاریخی نماز جمعه باشد.

او بحث خود را با طرح یک مسئله اصولی آغاز می‌کند و آن اینکه در صورتی که حکم وجوب از عملی برداشته شود آیا حکم جواز آن عمل باقی می‌ماند یا نه؟ عقیده مؤلف آن است که در صورت مذکور، حکم جواز باقی نمی‌ماند زیرا اثبات و سلب وجوب از یک عمل ارتباطی با وجود و عدم جواز ندارد.^{۲۹}

طرح این مقدمه بدین مناسبت است که کسی تصور نکند اگرچه در عصر غیبت وجوب از نماز جمعه برداشته شده ولی جواز آن هنوز برجای خود باقی است، یعنی با وجود لغو وجوب از اقامه جمعه در عصر غیبت، جایز است آن را به جای آورد؛ زیرا جوازی که به معنای «اذن در عمل» است تنها در خود وجوب و خود استحباب وجود دارد، پس در صورتی که وجوب از عملی برداشته شود، استحباب به جای آن نمی‌تواند بنشیند، لذا بر اساس عقیده کرکی،

کسی که می‌خواهد حکم بر جواز اقامه جمعه بدهد بناچار باید وجوب آن را ولو به صورت وجوب تخییری باقی بداند و این مقدمه اول او هست.

اما مقدمه دوم در اثبات نیابت برای فقیه عادل امامی (مجتهد) در امور شرعی و اموری که برای حاکم منصوب از طرف امام - ع - ثابت است؛ او مستند اساسی خود را همان مقبوله عمر بن حنظله قرار داده و کلمه حاکم در این روایت را در معنی عام آن اراده می‌کند. مقدمه سومش این است که نماز جمعه، مشروط به وجود امام معصوم و یا نایب اوست، او اگرچه بر این مطلب ادعای اجماع می‌کند ولی مستند اصلی وی عمل پیامبر - ص - در تعیین امام جمعه همانند تعیین قاضی است که به عنوان سیره مستمر، مورد عمل در تمام اعصار قرار گرفته است.

در باب دوم، بحث خود را درباره نماز جمعه در عصر غیبت آغاز می‌کند و ابتدا قول به جواز اقامه جمعه را که مورد عنایت جمع کشیری از

.....
۲۹- مجموعه رسائل کرکی، ج ۱، ص

فقه‌است مطرح کرده و با استمداد از آیات و روایات، تمام کوشش خود را برای اثبات آن به کار می‌برد، البته او جواز را در قالب وجوب تخییری مطرح می‌کند، زیرا جواز به معنای رحجان شرعی تنها در وجوب یا استحباب به کار می‌رود. از آنجا که از ادلهٔ مربوطه، وجوب فهمیده می‌شود، پس باید آن را واجب دانست اما چرا واجب تخییری؟ بدان سبب که علما از ابتدای غیبت به بعد قایل به وجوب عینی نبوده‌اند و دلیل آن نیز احتمالاً این بوده که اجتماع بدون امام راه‌مشار فتنه و شرّ می‌دانسته‌اند (ص ۱۴۸) و جمع بین آن ادله و این سیرهٔ علما، وجوب تخییری بین جمعه و ظهر را اقتضا می‌کند و اثبات وجوب اگر چه تخییری، راه را برای اثبات وجوب عینی باز کرد. ولی قایلین به وجوب عینی، بعدها ادلهٔ محقق کرکی را برای راهی که برگزیده بود، تخطئه کردند. او در هر حال کوشیده است تا اشکالات احتمالی و مطرح شده بویژه آنچه را که در غایة المراد (تالیف شهید اول) وارد شده پاسخ دهد و از یک سو باید در برابر احتمال وجوب عینی پاسخگو بوده و از سوی دیگر مواجه با قایلین به حرمت باشد. آنچه از ادلهٔ پژوهشی در رساله‌های نماز جمعه در دورهٔ صفویه

قایلین به حرمت اهمیت دارد مسئلهٔ شرطیت وجود امام یا نایب اوست و چون این شرط در عصر غیبت منتفی است پس اقامهٔ جمعه باید حرام باشد، اما محقق کرکی با استناد به قول علامه در مختلف مبنی بر کفایت فقیه، از این اشکال جواب داده است؛ محقق کرکی این قول را که فقیه برای حکم و افتاء منصوب شده است نه نماز جمعه، بسیار نادرست دانسته و می‌گوید:

لأنَّ الفقیه مَنصُوبٌ مِن قِبَلِهِمْ - عَلَیْهِمُ السَّلَامُ
حَاکِمًا فِی جَمِیعِ الْأُمُورِ الشَّرْعِیَّةِ (ص ۱۵۳).

مؤلف در باب سوّم در صدد استنتاج از تز ارائه شده در باب ولایت فقیه بر آمده و این باب را در اثبات اینکه اقامهٔ جمعه در دوران غیبت جز با حضور فقیه جامع الشرائط، مشروعیت ندارد، می‌گشاید، فلسفهٔ اصرار او بر این قول آن است که هم شرطیت امام یا نایب او در نظر گرفته شود زیرا اجماع منقول به آن قائم شده است و هم در برابر کسانی که شرط مذکور را نپذیرفته و اقامهٔ جمعه در عصر غیبت را حرام می‌دانند، بتوان به وجود فقیه و نیابت عام او استناد کرد.

نکتهٔ قابل توجه در سخنان محقق کرکی این است که او

در اثبات شرطیت اذن امام و یانایب او به فقهای متأخر بیشتر استناد کرده است که از آن جمله اند: محقق حلّی در معتبر علامه حلّی در تذکره و شهید اول در ذکر، و پس از کوشش بی دریغی که برای استخراج قول به نیابت فقیه در اقامه جمعه از کلمات فقها نموده می گوید:

در دوران غیبت هیچ فقیهی قول به وجوب حتمی عینی را به طور مطلق و یا قول به وجوب تخییری بدون حضور فقیه را اختیار نکرده است و اگر کسی با این روال قطعی مخالفت کند چیزی جز جرئت مخالفت بر حق تعالی را مرتکب نشده است. (ص ۱۶۳)

استخراج نظرات مرحوم کرکی از کلمات فقها در عین حالیکه بسیار استادانه صورت گرفته ولی در پاره ای موارد، خالی از تکلف نیست. نگاه علوم انسانی و معارف اسلامی جامع علمی

او در پایان رساله خود (ص ۱۶۸-۱۷۰) تحت عنوان خاتمه و ارشاد، به منظور عمل به وعده ای که برای تبیین شرایط فقیه (در ضمن بحث از معنای فقیه جامع شرایط) داده بود، سیزده شرط برای چنین فقیهی برمی شمارد تا مردم معنای سبکی از آن برداشت نکرده و ارزش

و مرتبه واقعی این کلمه را دریابند^{۳۰}

۲- رساله شهید ثانی

چنانکه پیشتر اشاره شد به گفته برخی، شهید ثانی - ره - اولین کسی است که قایل به وجوب عینی نماز جمعه شده است اینک نظری کوتاه بر رساله او می افکنیم^{۳۱}

او در آغاز، بی توجهی به اقامه جمعه را مورد نکوهش قرار داده و با اشاره به کار تحقیقی خود در این زمینه روی سخنش با کسانی است که زنجیر تقلید از اسلاف را از گردن برداشته

.....

۳۰- در فهرست مجلس سنای سابق، ج ۱، ص ۳۸۹ رساله ای به عنوان «شرایط الاجتهاد المبیحة للقضاء والافتاء» گویا از کرکی آمده است، در روایات الجنات (ج ۴، ص ۳۶۸) آمده: «و اما رساله الجمعة نهی داخله فی شرح القواعد علی ماصرح نفسه فی بحث صلاة الجمعة»

۳۱- متن مورد استفاده ما نسخه خطی این رساله در مجموعه شماره ۱۷۷۷ از کتابخانه آیت الله نجفی است، این رساله در مجموعه مذکور از برگ ۳۹ شروع شده و در برگ ۵۸ پایان می یابد.

وآمدگی شنیدن حقایق را دارند، نخست اقوال مختلف در مورد وجوب و حرمت اقامه جمعه در عصر غیبت را برشمرده و سپس اعتقاد خویش را دایر بر وجوب مطلق آن بیان می‌کند و برای اثبات آن دلایلی ارائه می‌دهد:

دلیل اول:

ابتدا به آیات قرآن استناد جسته و در ابعاد مختلف آن به تفصیل به بحث و بررسی پرداخته و اشکالات محتمل در این زمینه را پاسخ می‌دهد و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که صیغه امر در آیه بر وجوب عینی، به طور مطلق دلالت می‌کند مگر آنکه شرطی برای آن اثبات شود و سپس شرط مذکور از طرف فقها را مورد بحث قرار می‌دهد که ما نظر او را در این باره بیان خواهیم کرد.

دلیل دوم: سپس توجه خود را به روایات وارده در باره مسئله معطوف داشته و تعدادی از آنها را ذکر می‌کند و در ادامه پس از اشاره به اینکه نیازی به ارائه همه روایات مربوط نیست می‌نویسد: اساساً در این احادیث متعرض شرط امام و یا نایب او نشده‌اند. دلیل سوم:

آنگاه وجوب عینی نماز جمعه در زمان حضور ائمه - ع - را استصحاب پژوهشی در رساله‌های نماز جمعه در دوره صفویه

می‌کند، شایان توجه است که شهید ابتدا عنوان حضور را از مستصحب حذف کرده و سپس تنها وجوب عینی به طور مطلق را استصحاب می‌کند (ص ۴۲).

دلیل چهارم: تمسک به اصالة الجواز.

شهید در مقابل کسانی که بر وجوب تخییری اقامه جمعه در عصر غیبت اصرار می‌ورزند و آن را مستند عمل فقها در عدم اقامه آن به طور حتم، می‌دانند می‌کوشد تا اثبات کند عدم اقامه جمعه در عصر غیبت نه به دلیل عینی ندانستن وجوب آن، بلکه بدان دلیل بود که غالب ائمه جمعه در شهرها عادل نبوده و از طرف ائمه ضلال تعیین می‌شدند، از این رو شیعیان از شرکت در اقامه جمعه با آنان سرباز می‌زدند (ص ۴۳) و این تعبیر بامسئله تقیه نیز سازگار است.

دلیل پنجم:

شهید می‌گوید: این حکم (وجوب عینی اقامه جمعه) مورد تأیید تمام مسلمین بوده و تنها حنفی‌ها از میان اهل سنت آن را مشروط به اذن سلطان و در صورت عدم وجود او، شرط را ساقط دانسته‌اند و از میان فقهای شیعه نخست این قول (شرط وجود امام یا نایب او) را

سید مرتضی عنوان کرده و سپس سائر و ابن ادریس از او پیروی کرده اند وی می کوشد تا به نحوی کلام سید مرتضی را تاویل کرده و آن را باغیر مشروط بودن به اذن، سازگار کند و در هر حال معتقد است که به خاطر مخالفت چند نفر معدود، نمی توان با فریضه ای که این چنین مورد تأیید و تأکید مسلمین قرار گرفته است به مقابله برخاست.

او سپس به نظریه ای که نماز جمعه را با حضور فقیه در عصر غیبت واجب می داند، عطف توجه نموده و نظریه مرحوم کرکی را مورد انتقاد قرار می دهد و ادله او را که سیره پیامبر - ص - و خلفا، و روایاتی در باره اقامه جمعه و نقل اجماع بود یکی پس از دیگری در معرض بحث و بررسی قرار می دهد و در مورد سیره عملی پیامبر - ص - و خلفا می گوید: این اذن و تعیین به معنای شرط نبود، چنانکه آنها برای نمازهای روزانه نیز افرادی را به عنوان امام جماعت تعیین می کرده اند، بلکه سبب این تعیین آن بود که درگیری و اختلاف به وجود نیامده و همه بی درنگ به وی مراجعه کنند و برای چنین فردی سهمی از بیت المال هم داده می شد تا این مهم انجام شود (ص ۴۶)

و سپس روایتی را مطرح می کند که در آن چنین آمده:

لَا تَجِبُ الْجُمُعَةُ عَلَى أَقَلِّ مِنْ سَبْعَةٍ:
 الْإِمَامُ وَ قَاهِيهِ وَ مُدْعٍ حَقًّا وَ مُدْعَى عَلَيْهِ وَ شَاهِدَانِ
 وَ مَنْ يَضْرِبُ الْعُدُودَ بَيْنَ يَدَيْ الْإِمَامِ

و ضمن پاسخ از اشکالاتی که پاره ای به سند و پاره ای دیگر به متن حدیث، مربوط می شود، یاد آور می شود که کلمه امام در این حدیث منحصرأ حمل بر سلطان عادل نمی شود بلکه بر امام جماعت نیز اطلاق می گردد (ص ۴۶).

او در مقام پاسخ از اجماعی که محقق کرکی مدعی آن است می کوشد تا کلمات فقها را آورده و نشان دهد که آنها گرچه در برخی از کتب خود چنین گرایشی از خود نشان داده اند ولی در کتابهای دیگرشان به شرط اذن امام چندان توجهی نکرده اند. اگر اجماعی نیز در این مورد وجود داشته باشد مربوط به شرط اذن امام - ع - در حضور آن حضرت است و در عصر غیبت، این شرط ساقط شده است. و آنچه غالباً مورد توجه فقهای متأخر واقع شده، تنها امکان اجتماع است نه قید حضور فقیه (ص ۵۰) مگر یکی دو مورد که در وجود این شرط، صراحت دارند.

او عبارات متقدمین از فقها را نیز آورده و نشان می‌دهد: آنان چنین شرطی - که حتماً امام یانایب خاص او در عصر غیبت باید باشد - را برای وجوب اقامه جمعه مطرح نساخته‌اند بخصوص ابوالصلاح حلبی که همان قیود امام جماعت را در این مورد نیز به صراحت، کافی دانسته است (ص ۵۱) چنانکه شیخ طوسی نیز با وجود مشروط دانستن اقامه جمعه در دوران حضور، مانعی از اقامه آن - در عصر غیبت بدون وجود امام و اذن او در صورت امکان اجتماع مؤمنین - ندیده است (ص ۵۲). شهید در پاسخ این اشکال که اجتماع بدون امام - ع - مشار فتنه است، اجتماعات فراوانی از مسلمین از جمله اجتماع مسلمین در عرفات را یاد آور می‌شود که تاکنون مشار هیچ فتنه و اختلافی نشده است. آنگاه رأی سوّم؛ یعنی قول به حرمت اقامه جمعه در عصر غیبت را مورد انتقاد قرار می‌دهد و اولین دلیل آنها - وجود امام و یانایب او - را که طبعاً مورد قبول او نیست از اساس منتفی دانسته و بر فرض تسلیم همان رأی محقق کرکی (فقیه در زمان غیبت نیابت عام دارد) را راه حل قضیه قلمداد پژوهشی در رساله‌های نماز جمعه در دوره صفویه

می‌کند (ص ۵۴) سپس بقیه ادله طرفداران این نظریه را به شیوه مخصوص خود پاسخ می‌دهد.

و در آخرین قسمت رساله خود تحت عنوان ختم و نصیحة روایاتی در باره نماز جمعه و فضیلت آن نقل کرده و ویژه صلاة وسطی را باصلاّت جمعه یکی می‌داند، شهید؛ تألیف این رساله را در ربیع الأوّل سال ۹۶۲ به پایان رسانده است.

از شهید، رساله کوچک دیگری تحت عنوان الحث علی صلاة الجمعة در دست است که در آن همانند رساله فوق، روایات مربوط به نماز جمعه و فضیلت آن را نقل کرده است^{۳۲} در پایان توضیح رساله شهید مناسب است این نکته را یاد آور شویم که صاحب جواهر - که بر عدم وجوب عینی نماز جمعه اصرار دارد - ضمن اشکال به مجلسی اول و نیز فیض، سخن آنها را برگرفته از رساله شهید دانسته و در باره این رساله می‌نویسد:

.....

۳۲- این رساله در پنج صفحه و در مجموعه شماره ۴۴۴ در کتابخانه آیت الله نجفی (از برگ ۳۱۵-۳۱۷) آمده است.

احتمال دارد که وی این رساله را در دوران کودکی (فی صغره) نوشته باشد زیرا در آن، نسبت به بزرگان مذهب و حافظان شریعت تندی شده، همچنین در متن آن اضطراب و نکات زاید فراوان وجود دارد؛ اضافه بر این، این رساله با آنچه که در دیگر کتابهایش در مورد وجوب تخییری نماز جمعه آورده، منافات دارد^{۳۳}

۳- الشهاب الثاقب

فیض در رساله خود بابدیهی دانستن حکم وجوب می نویسد: تنها تعدادی از اهل رأی و اجتهاد این نماز را مشروط دانسته اند که ممکن است در برخی از زمانها ساقط شود (ص ۸) او آنها را متأثر از اهل سنت می شمارد که اجتماع را تنها با حضور سلطان جایز می دانند (ص ۹) و به اختلاف آرای اهل اجتهاد در این باب توجهی نکرده و آنها را به گونه ای که دچار سردرگمی هستند تصویر می کند و اساساً وضعیت اهل اجتهاد را در بسیاری از مسائل به همان گونه قلمداد می نماید. او پس از طرح این مقدمات، بحث خود را در اثبات وجوب عینی اقامه جمعه و غیر مشروط بودن آن به وجود سلطان و فقیه، آغاز می کند. در باب اول به آیاتی از قرآن

کریم استناد جسته و به طور عمده به همان آیه سوره جمعه اتکا می نماید، آنگاه روایاتی را که از طرق خاصه و عامه از رسول خدا - ص - نقل شده است می آورد (ص ۱۸)

او گوید: مهمترین مستند کسانی که قایل به وجوب تخییری بودند این است که سیره اصحاب در طول چندین قرن بر عدم اقامه جمعه جاری بوده که این برخورد جز با وجوب تخییری در عصر غیبت با چیز دیگری قابل توجیه نیست و فیض در صدد توجیه این عمل چنین اظهار نظر کرده است:

زمان، زمان تقیه بوده و بدین جهت شیعیان، در میان اقامه جمعه با حاکمان موجود و اقامه جمعه به طور مخفی و اقامه ظهر به جای آن در خانه خود، منخیر بوده اند که همین هم باعث ترک اقامه جمعه از طرف شیعیان شده است (ص ۲۶) او این مطلب را از کسان دیگری از فقها نیز نقل کرده است.

فیض در پی استدلال به اجماع با اشاره به اینکه قدمای اصحاب کلاً

.....

۳۳- جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۴۷.

اخباری بوده اند و مضمون فتاوی آنها کلمات ائمه معصومین - ع - بوده ؛ آنها را قایل به وجوب عینی دانسته و آغاز تردید در این حکم را از وقتی که باب اجتهاد و رأی میان فقهای اصحاب گشوده شد، می داند (ص ۳۲)

سپس چنین ادامه می دهد:

ثقة الاسلام کلینی در کافی در باب «وجوب صلاة الجمعة» روایتی که حاکی از شرط اذن امام معصوم - ع - در اقامه جمعه باشد نیاورده است و صدوق - ره - در کتاب من لایحضره الفقیه «گرچه حدیثی روایت می کند که در آن امام - ع - می فرماید: اگر کسی در روز جمعه نماز را پشت سر امام بخواند، دو رکعت و گرنه چهار رکعت باید به جا آورد ولی روشن است که منظور از کلمه امام در این روایت هر امامی است که بتواند به او اقتدا کرد نه امام معصوم - ع - . مرحوم صدوق در امالی متعرض شده که امامیه اقامه جمعه نموده اند و لذا آن را مقتید به زمان حضور معصوم - ع - نکرده است (ص ۳۵)

شیخ مفید نیز در باب صفات امام جمعه ، همان صفات امام جماعت پژوهشی در رساله های نماز جمعه در دوره صفویه

را برشمرده است (ص ۳۶) در اینجا نیز کلمه امام را که مفید در المقننه به کار برده ، او حمل بر امام به طور مطلق کرده است و سپس اقوالی از کراچکی ، شیخ عمادالدین طبرسی و حلبی ارائه می دهد که در عبارت حلبی چنین آمده :

لَا تَنْتَقِدُ الْجُمُعَةَ إِلَّا بِإِمَامٍ الْمِلَّةِ أَوْ مَنْصُوبٍ مِنْ قَبْلِهِ أَوْ مَنْ تَكَاتَلُ لَهُ صِفَاتُ إِمَامِ الْجَمَاعَةِ.

و این تأیید صریحی است بر مقصود فیض (ص ۳۹)

به گفته فیض گرایش قدمای اصحاب بر بینش اخباری تازمان شیخ ادامه داشته و در زمان او به نقطه پایان خود می رسد زیرا او می نویسد:

شیخ اولین کسی است که اعتقاد بر شرط اذن امام و یا نایب او را در اقامه جمعه مطرح کرده و فقهای بعد از زمان او را به دنباله روی از وی نسبت می دهد (ص ۴۰) فیض در تأیید ادعایش از امین استرآبادی صاحب فوائد المدنیه نقل می کند.

حتی علامه خود پذیرفته بود که قدمای اصحاب تا زمان شیخ طوسی کلاً اخباری بوده اند وَ إِنَّمَا حَدَّثَ الْأَصُولِيُّ بَيْنَ الْإِمَامِيَّةِ مِنْ زَمَنِ الشَّيْخِ الطُّوسِيِّ.

فیض با اینکه شیخ را معتقد به وجوب عینی نماز جمعه می‌داند و از عبارات او نیز چنین حکمی را استنباط می‌کند ولی به نظر او آشفتگی عبارات شیخ در مورد شرط اذن امام به گونه‌ای است که الهام بخش وجوب تخییری برای فقهای بعد از زمان او که غالباً مقلد او بودند، می‌شود (ص ۴۱)

آنچه فیض از کلمات شیخ در این زمینه استنباط می‌کند آنکه، وی در زمان حضور معصوم - ع - اذن و یا حضور نایب او را شرط وجوب اقامه جمعه می‌دانست ولی پس از زمان حضور، دیگر شرط مذکور منتفی می‌شود (ص ۴۲) در هر حال عده زیادی از فقها به استناد روایت فضل بن عبدالملک از امام صادق - ع - دایر بر اینکه اگر جماعتی در منطقه‌ای گرد آمدند می‌توانند نماز جمعه را برپا دارند، استحباب اقامه جمعه در عصر غیبت را اختیار کرده‌اند (ص ۴۶) چنانکه علامه نیز در «تذکره» همین قول را ترجیح داده است؛ او در آنجا سلطان عادل را به امام معصوم تعبیر کرده و وجوب نماز جمعه را مختص زمان او دانسته و پس از وی با برداشته شدن وجوب، استحباب اقامه آن را باقی دانسته است (ص ۴۷)

او با اشاره به اینکه اکثر فقهای بعد از شهید قایل به وجوب عینی نماز جمعه هستند اقوال آنان را که از آن جمله‌اند شهید، شیخ حسن بن زین الدین، شیخ محمد فرزند شیخ حسن، سید امیر فضل الله نجفی (که گویا حاشیه‌ای بر رساله اثنی عشریه شهید دارد) شیخ فخرالدین بن طریح نجفی (که رساله اثنی عشریه را شرح کرده) و... نقل می‌کند؛ آنگاه پس از نقل اقوال برخی از فقیهان هم عصرش در باره وجوب عینی اقامه جمعه به اعتقاد صریح بیش از بیست نفر از آنان بر وجوب عینی تصریح می‌کند (ص ۵۶) وی در پایان این فصل می‌کوشد نشان دهد که اجماع مطابق تعریف امامیه بر وجوب عینی قائم شده است (ص ۵۸)

و در باب پنجم به رغم اعتقاد نداشتن به بهره‌گیری از «اصول» برای اثبات وجوب عینی، از باب جدل به استصحاب و اصالة الجواز استدلال می‌کند (ص ۵۹، ۶۰).

اینها ادله‌ای است که شهید نیز در رساله صلاة الجمعة به آن استناد کرده است.

در باب ششم به پاسخ اشکالات وارده پرداخته بویژه از استدلالهای کرکی

جواب می‌دهد و در مقابل استدلال محقق کرکی در خصوص شرط بودن نیابت فقیه، به مقبوله عمر بن حنظله تکیه می‌کند که نیابت در اقامه جمعه را نیز دربر می‌گیرد. (ص ۶۷).

اومی گوید: اگر فقیه واقعاً نیابت از امام معصوم را دارد پس باید وجوب متعلق به اقامه جمعه، عینی باشد نه تخییری، محقق کرکی به دلیل مرسوم نبودن اقامه جمعه در میان شیعه، ادعای اجماع بر عدم وجوب عینی کرده و به نظر او گرچه وجوب عینی به این دلیل از بین می‌رود ولی وجوب تخییری به جای آن باقی است و به ادعای فیض، اعتقاد به قیام اجماع بر عدم اشتراط اقامه جمعه بر وجود فقیه، روشی متین و به حقیقت نزدیکتر است (ص ۶۸)

باب هفتم را به ارزیابی اجماع منقولی که به نظر او مدار بحث طرفداران وجوب تخییری است، اختصاص داده است (تاص ۹۴)

در باب هشتم به نقل روایاتی پرداخته که در زمینه تحریم و تشویق به اقامه جمعه وارد شده است. (ص ۹۵)

فیض در رساله خود بخش

پژوهشی در رساله‌های نماز جمعه در دوره صفویه

عمده‌ای از استدلال‌های شهید را بازگو کرده است.

صاحب جواهر رساله فیض را به احتمال از کتب ضالّه دانسته و او را متهم به بی‌دانشی کرده است وی قول به وجوب عینی را بی‌ارتباط با وضعیت موجود در بلاد عجم در وجود شرایط مناسب ریاست ندانسته است.^{۳۴}

کتاب شناسی رساله‌های نماز جمعه

در اینجا رساله‌هایی را که در این زمینه نگارش یافته به ترتیب زیر فهرست می‌کنیم:

ا - رساله‌هایی که در اثبات وجوب عینی نماز جمعه نوشته شده است.

ب - رساله‌هایی که در اثبات عدم وجوب عینی و به عبارت دیگر در اثبات وجوب تخییری آن نگاشته شده است.^{۳۵}

ج - رساله‌هایی که در تحریم اقامه جمعه نگارش یافته است.

د - رساله‌هایی که به دلیل عدم

۳۴- جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۷۸.

۳۵- رساله‌هایی که در عدم وجوب عینی نوشته شده‌اند بیشتر ناظر به اثبات وجوب تخییری و جواز است نه حرمت گرچه ممکن است چنین نیز باشد.

دسترسی، شناخت عقیده نویسندگان آنها در این باره مقدور نشد.

لازم به یادآوری است که برخی از این رساله‌ها را مرحوم آیه الله شیخ آقا بزرگ در «الذریعه» معرفی کرده‌اند که تلاش ما علاوه بر تکمیل آن فهرست، ارائه و معرفی نسخه‌های موجود از آنهاست؛ تنها رساله‌هایی انتخاب شده که از سال ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ نگاشته شده‌اند، ناگفته نماند که عده‌ای از نویسندگان این رساله‌ها بیش از یک رساله در این مورد تألیف نموده‌اند.

* ا- رساله‌هایی که به منظور اثبات وجوب عینی اقامه جمعه نوشته شده‌است.

۱- رساله «صلاة الجمعة»، شهید ثانی (م ۹۶۵ق)

شهید ثانی سه رساله در این موضوع به نامهای زیر نوشته است:

۱- رساله فی صلاة الجمعة ۲- الحشعلی صلاة الجمعة ۳- رساله فی آداب الجمعة^{۳۶} تونی در صحت انتساب این رساله به شهید تردید نموده^{۳۷} ولی علامه آقا بزرگ تهرانی علت این تردید را اشتباهی در تاریخ فراغت از تألیف آن یعنی ۹۷۲ ق که

شهید چندسال پیش از آن به شهادت رسیده بود دانسته و می‌گوید: اصل نسخه در مکتبه الخوانساری موجود و تردیدی نیست که سهو از ناسخ بوده که به جای ستین، سبعین نوشته است^{۳۸} نسخه‌هایی از این رساله در فهرست مجلس، ج ۷، ص ۱۸۳-۱۸۴، و فهرست دانشگاه تحت شماره ۴۱۰۲ و فهرست سپهسالار ج ۵، ص ۲۸۹، فهرست نسخه‌های خطی (نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه) دفتر ۱۱ و ۱۲، ص ۲۸۳ معرفی شده و اخیراً از طرف انتشارات اسلامی در قم چاپ شده است.

۲- الشهاب الثاقب، محدث فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ق)

این رساله در اثبات وجوب عینی اقامه جمعه نوشته شده و در بیروت به چاپ رسیده است و ردیه‌های مختلفی نیز بر آن نگاشته‌اند که از آن جمله رساله اسماعیل بن محمد حسین بن

۳۶- رک: ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۷۰؛ امل الأمل ج ۱، ص ۸۶.
۳۷- فهرست مجلس، ج ۷، ص ۱۸۲-۱۸۳.
۳۸- الذریعه، ج ۱۶، ص ۷۲.

مجله نور علم، دوره چهارم، شماره سوم

محمد رضا بن علاء‌الدین محمد المازندرانی است^{۳۳} و صاحب روضات الجنّات قسمتی از آن را عیناً آورده است^{۳۴} رساله دیگری نیز امین بن عبد الوهاب در رد بر شهاب ثاقب نوشته . وی شاگرد فیض بوده است^{۳۵}

۳- فیض رساله دیگری به فارسی در این زمینه تحت عنوان ابواب الجنان دارد^{۳۶}

۴- رساله فی صلاة الجمعة حسین بن عبد الصمد (م ۹۸۴ق) والد شیخ بهایی .

این رساله نیز در اثبات وجوب عینی نماز جمعه و دو نسخه از آن در فهرست مجلس، ج ۵، ص ۲۸۵ معرفی شده است قسمتی از کتاب دیگر او به نام العقد الطهماسبی نیز در همین باره است. علامه آقابزرگ از «رساله فی صلاة الجمعة» او یاد کرده و از قول او در اواخر آن - که در زمان شاه طهماسب نوشته است - چنین نقل می کند:

ان فی هذه الدولة القاهرة الظاهرة القاهرة المسعدة المؤيدة العلوية الحسينية الطهماسبية لا مانع من فعل الجمعة فيجب امتثال امر الله و امر رسول الله صلى الله عليه وآله و

بزهشی در رساله‌های نماز جمعه در دوره صفویه

امر الأئمة عليهم السلام والعلماء الراشدين في فعلها...^{۳۳}

شیخ حسین بن عبد الصمد خود مخصوصاً زمانی که در خراسان منصب شیخ الاسلامی داشت نماز جمعه را برگزار می کرده است^{۳۴}

۵-۹. رساله فی صلاة

الجمعة، مولی محمد بن عبد الفتاح تنکابنی معروف به سراب (م ۱۱۲۴ق) تنکابنی چندین رساله در این زمینه نوشته که یکی از آنها ردّ بر فاضل تونی است؛ این رساله در فهرست مجلس، ج ۷، ص ۱۷۸ - ۱۷۹ معرفی شده است^{۳۵} او رساله دیگری نیز در این

.....

۳۹- فهرست کتابخانه آیت الله نجفی، ج ۸، ص ۲۲۲.

۴۰- روضات الجنّات، ج ۶، ص ۸۲ - ۸۷.

۴۱- الذریعه، ج ۱۰، ص ۲۰۲.

۴۲- الذریعه، ج ۱، ص ۷۷ و ج ۱۵، ص ۷۸.

۴۳- الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۰.

۴۴- روضات الجنّات، ج ۲، ص ۳۴۱ و رک: فقه شیمه ص ۲۰۱.

۴۵- رک: فقه شیمه ص ۲۶۷.

مورد به زبان عربی دارد که در فهرست دانشگاه ج ۱۶، ص ۳۹۱-۳۹۲ معرفی شده و نسخه ای از آن در کتابخانه آستان قدس به شماره ۶۴۶۶ موجود است^{۲۴} و رساله دیگری از او در ردّ بر آقا جمال خوانساری در دست است^{۲۵} که آن را به دستور استادش شیروانی تألیف کرده است^{۲۸} برای اطلاع کافی درباره رساله های او در این موضوع رجوع شود به: فهرست دانشگاه، ج ۱۰، ص ۱۷۱۹، و فهرست کتابخانه ملّی ج ۱۰ ص ۴۳۹ و در «الذریعه» مجموعاً چهار رساله از او در این زمینه معرفی شده است^{۲۹}

۱۰-۱۳- القامعة البدعة، فی ترک صلاة الجمعة، شیخ عبد الله بن صالح سماهيجی بحرانی (م ۱۱۳۵ق) از این کتاب دونسخه یکی در فهرست مجلس، ج ۷، ص ۲۰۷-۲۰۸ و دیگری در فهرست کتابخانه آیت الله نجفی ج ۱۳، ص ۷۹ معرفی شده است در فهرست مجلس در مورد ذکر اجمالی محتوای آن چنین آمده است: این رساله دارای چهار فصل است:

فصل اول در ادلّه وجوب عینی از قرآن؛ فصل دوم در ادلّه وجوب عینی از اخبار که ضمن آن ۷۲

روایت نقل کرده است؛ فصل سوم در اثبات آن از راه اجماع که در مطاوی آن نام جمعی از علمای معاصرش و کسانی را که در این باب رساله نوشته اند ذکر می کند و در فصل دیگر ایرادهایی بر فاضل هندی و ملاخلیل قزوینی وارد آورده است.

بنا به اظهار علامه آقا بزرگ او سه رساله در این زمینه نوشته که اولی همان «القامعة البدعة» و دومی «رسالة الدمعة» و سومی فذلکة الدلائل نام گرفته اند^{۳۰} که سومی در مقام ردّ بر فاضل هندی نوشته شده است^{۳۱}

۱۴- کشف الريبه عن حکم صلاة الجمعة فی از منه الغيبة، میرزا علی بن محمد.

.....

۴۶- فهرست الغبایی، ص ۳۸۶.

۴۷- فهرست کتابخانه آیت الله نجفی، ج ۱۳، ص ۸۷.

۴۸- الذریعه، ج ۱۵، ص ۶۷.

۴۹- الذریعه، ج ۱۵، ص ۸۰-۸۱ و رک: فقه شیعه ص ۲۶۶.

۵۰- الذریعه ۱۵، ص ۷۶.

۵۱- الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۸ و رک: الإجازة الکبیره، ص ۲۰۷.

نسخه‌ای از آن که بسیار مفصل است در فهرست کتابخانه آیت الله نجفی، ج ۷، ص ۳۰۷ معرفی شده است این رساله به خط مؤلف و تألیف آن در سال ۱۲۰۶ پایان یافته است.

۱۵-۱۶. به ترتیب به نامهای: «نماز آدینه» و «جاء الحق» که ملا محمد طاهر قمی (م ۱۰۹۸) نگاشته است. رساله نماز آدینه، ردّ بر مولانا حسنعلی بن عبداللّه - که از قایلین به تحریم اقامه جمعه در عصر غیبت بوده است - و نسخه‌هایی از آن در فهرست مجلس، ج ۱۶، ص ۳۷۱ و فهرست کتابخانه آیت الله نجفی ج ۱۶، ص ۲۴۲ و فهرست کتابخانه ملک، ج ۶، ص ۱۶۸ معرفی شده است و رساله دیگر او یعنی جاء الحق ردّ بر ملا خلیل قزوینی و به سال ۱۰۷۶ ق تألیف شده و نسخه‌هایی از آن در فهرست مجلس، ج ۱۶، ص ۳۷۲ و فهرست کتابخانه آیت الله نجفی ج ۱۵، ص ۱۵۸ معرفی شده است^{۵۲}

۱۷- جُمُعة من مسائل الجُمُعة، سید مرتضی بن محمد ساروی (زنده در ۱۱۴۹ق)

مؤلف پس از بازگشت از نجف پژوهشی در رساله‌های نماز جمعه در دوره صفویه

اشرف به یکی از شهرهای ایران از اختلاف مردم آن سامان در باره نماز جمعه ناراحت شده و بنا به درخواست برخی از دوستان، این رساله را دایر بر وجوب عینی اقامه آن در سال ۱۰۴۹ تألیف کرده است. نسخه‌ای از آن در فهرست کتابخانه آیت الله نجفی ج ۸، ص ۲۲۱ معرفی شده است.

۱۸-۱۹. صلاة الجمعة، ملا محمد باقر بن محمد مؤمن معروف به محقق سبزواری (م ۱۰۹۰ق)

دو رساله یکی به فارسی و دیگری به عربی در این زمینه تألیف کرده^{۵۳} و نسخه‌ای از رساله فارسی او در فهرست کتابخانه آیت الله نجفی ج ۸، ص ۲۲۱، و فهرست کتابخانه ملک ج ۶، ص ۱۶۹ و ۱۶۶ و فهرست کتابخانه الهیات مشهد، ج ۳، ص ۷۲۱ وفقه شیعه، ص ۲۴۴ معرفی شده است. فاضل تونی رساله‌ای در ردّ آن نگاشته و در آن او را به شدت مورد حمله قرار داده است^{۵۴} فیض از او

.....

۵۲- رک: مقدمه‌ای بر فقه شیعه ص ۲۵۳.

۵۳- ریاض العلماء، ج ۵، ص ۴۵.

۵۴- فهرست دانشگاه، ج ۱۴، ص ۳۶۰۴.

مطالبی در تأیید نظریه خود آورده و او رابه عنوان فقیه العصر وفاضل الزمان ستوده است^{۵۵} و رساله عربی او به شماره ۱۳۱۴۸ و ۷۱۵۰ در کتابخانه آستان قدس موجود است^{۵۶}

۲۰- صلاة الجمعة، عبدالله

حسینی مدنی .

این رساله نقدی بر بحث نماز جمعه «کشف اللثام» فاضل هندی است که نسخه ای از آن در فهرست کتابخانه آیت الله نجفی، ج ۱۳، ص ۸۵-۸۶ معرفی شده و درپاورقی گوشزد کرده که شاید نویسنده این رساله از شاگردان فاضل هندی بوده و از اسم مستعاری استفاده کرده باشد. فاضل هندی رساله مستقلی نیز در این زمینه از خود برجای گذاشته است .

۲۱- رسالة فی صلاة الجمعة،

مولی نظام الدین محمد بن حسین قرشی
بساوجی (م حدود ۱۰۴۰)

مرحوم شیخ آقابزرگ این رساله را چنین وصف کرده: الظاهر أنها فی الوجوب العینی^{۵۷}

۲۲- رسالة فی صلاة الجمعة

«الرسالة الصدرية» و اختیار وجوبها،
صدرالدین محمد قزوینی^{۵۸} (تألیف
۱۱۰۰ق)

۲۳- رسالة فی صلاة الجمعة

«الحجة فی وجوب الجمعة»، محمد مقیم
فرزند مولی محمدعلی یزدی (م
۱۰۸۴ق)

مؤلف آن به سال ۱۰۶۳ نگارش آن را
به پایان رسانده است^{۵۹}

۲۴- رسالة فی صلاة الجمعة،

سلیمان بن عبدالله بحرانی ماحوزی
(م ۱۱۲۱ق)

این رساله در اثبات وجوب

عینی نماز جمعه^{۶۰} و درصدد ردّ بر
رساله ای است که نویسنده اش اعتقاد
به حرمت اقامه جمعه در عصر غیبت
داشته و صاحب روضات از آن بانام
«رسالة فی مسألة وجوب صلاة الجمعة عیناً»
یاد کرده است^{۶۱}

۲۵- رسالة فی صلاة الجمعة

واختیار الوجوب العینی، سیدعبدالعظیم

.....

۵۵- الشهاب الثاقب، ص ۵۲

۵۶- فهرست القبای، ص ۳۸۶

۵۷- الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۹

۵۸- همان، ص ۸۱

۵۹- همان

۶۰- همان، ص ۷۲

۶۱- روضات الجنّات، ج ۴، ص ۱۹

مجله نور علم، دوره چهارم، شماره سوم

فرزند سید عباس استرآبادی^{۶۲}

۲۶- رساله فی صلاة الجمعة، به فارسی از عبداللّه بن حسین تستری (م ۱۰۲۱ق)

نویسنده استاد شیخ محمدتقی مجلسی وقهپایی و برخی دیگر بوده و این رساله در اثبات وجوب عینی اقامه جمعه در عصر غیبت نوشته شده است^{۶۳}
۲۷- رساله فی صلاة الجمعة والقول بوجوبها، فارسی از مولی محمد بن حسن.

مؤلف رساله هم نام باشیخ حرّ عاملی است علامه آقا بزرگ نسخه ای از این رساله را در مکتبه خوانساری دیده است^{۶۴}

۲۸- صلاة الجمعة، مولی عوض تستری (م بعد از ۱۱۰۰ق)
افندی می نویسد: او از کسانی بوده که نماز جمعه را در عصر غیبت واجب دانسته و خود به اقامه آن می پرداخته و رساله ای نیز در این باب نوشته است^{۶۵}

۲۹- رساله فی صلاة الجمعة والقول بوجوبها، احمد بن محمد بن یوسف خطی بحرانی (م ۱۱۰۲ق)

نویسنده این رساله قایل به وجوب عینی آن شده و رساله خود را در پژوهشی در رساله های نماز جمعه در دوره صفویه

مقام ردّ بر شیخ سلیمان ابی ظبیه شاخوری نوشته است^{۶۶}

۳۰- رساله فی وجوب صلاة الجمعة، سید محمدتقی بن ابی الحسن حسینی استرآبادی.

این رساله در امل الآمل، ج ۲، ص ۲۵۱ و ریاض العلماء، ج ۵، ص ۴۶ و الذریعه، ج ۱۵، ص ۶۷ معرفی شده است.

نویسنده آن نه تنها بر عدم حرمت اقامه آن در عصر غیبت تأکید می ورزد بلکه از جمله کسانی است که اعتقاد به وجوب عینی آن دارد و از شاگردان شیخ بهائی و میرداماد بوده و رساله خود را در سال ۱۱۲۲ق به پایان برده است.

۳۱- رساله فی صلاة الجمعة ووجوبها العینی^{۶۷} مولی عماد الدین یونس.

.....
۶۲- الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۳.
۶۳- همان.

۶۴- الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۹.
۶۵- ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۰۴.
۶۶- الذریعه، ج ۱۵، ص ۶۳.

۶۷- اگرچه نامهای این رساله ها عربی است ولی غالباً به زبان فارسی نوشته شده است.

مؤلف رساله از علمای اخباری است؛ افندی با اشاره به این مطلب، رساله او را مختصر و در اثبات وجوب عینی وصف کرده است^{۶۸} وی شاگرد مولی عبدالله تستری است که به سال ۱۰۲۱ ق در گذشته است.

۳۲- رساله الجمعة، شیخ محمد بن حسن حر عاملی.

این رساله در پاسخ رساله ای که در مقام رد بر شهید ثانی نوشته شده بود نگارش یافته است^{۶۹} و در فقه شیعه ص ۲۶۰ آمده: مندرج در الفوائد الطوسیه او، ولی در نسخه چاپ قم ۱۴۰۴ ق که ناقص است چیزی از آن وجود ندارد.

۳۳- رساله فی صلاة الجمعة، شیخ زین الدین علی بن سلیمان بن درویش بن حاتم قدمی (م ۱۰۶۴ ق) در اثبات وجوب عینی نماز جمعه نوشته شده است^{۷۰}

۳۴- رساله فی صلاة الجمعة ووجوبها عیناً، شیخ علی بن شیخ محمد بن احمد بحرانی، برادر زاده شیخ یوسف بحرانی^{۷۱}

۳۵- صلاة الجمعة ووجوبها العینی فی زمن الغیبة، علامه محمد باقر مجلسی - ره - نسخه ای از آن در

فهرست مجلس ج ۱۶، ص ۲۵۳ معرفی شده است^{۷۲}

۳۶- رساله فی صلاة الجمعة، شیخ محمد تقی مجلسی (م ۱۰۷۰ ق)

فیض کاشانی می نویسد: شیخ محمد تقی مجلسی - ره - درباره عینیت وجوب نماز جمعه در این رساله ۲۰۰ حدیث روایت کرده که چهل حدیث صراحت در وجوب عینی داشته و پنجاه حدیث ظاهر در وجوب عینی است و نود حدیث دیگر بر مشروعیت اقامه آن در عصر غیبت دلالت داشته و ۲۰ حدیث باقیمانده در فضیلت این نماز است^{۷۳} فیض قسمتی از این رساله را عیناً در رساله خود آورده است^{۷۴}

۳۷- رساله صلاة الجمعة والقول بالوجوب العینی فی غایة البسط.

.....

۶۸- ریاض العلماء، ج ۴، ص ۲۹۸؛ الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۷.

۶۹- امل الأمل، ج ۱، ص ۱۴۴؛ ریاض العلماء، ج ۱۵، ص ۶۵.

۷۰- الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۶.

۷۱- همان.

۷۲- رک: فقه شیعه، ص ۲۶۲.

۷۳- الذریعه، ج ۱۶، ص ۶۸.

۷۴- الشهاب الثاقب، ص ۵۵.

در تکمله نقد الرجال آمده:

گویا این رساله از سیدحسن عاملی
مفتی عصر شاه طهماسب ماضی باشد^{۷۵}

۳۸- رساله فی صلاة الجمعة

وعینیتها فی زمن الغيبة، سیدجعفر بن
حسین بن قاسم بن محبّ الله موسوی
خوانساری

این رساله در اثبات وجوب

عینی اقامه جمعه در عصر غیبت بوده
و در مقام ردّ بر آقا جمال خوانساری نوشته
شده است^{۷۶}

۳۹- صلاة الجمعة و وجوبها،

سیدحسین بن حسن بن احمد بن سلیمان
غریفی بحرانی (م ۱۰۰۱ق) در ۹۹۶ق
نگارش آن به پایان رسیده است^{۷۷}

۴۰- رساله فی صلاة الجمعة،

مولی حسین بن الحسن جیلانی
اصفهانی لبنانی (م ۱۱۲۹ق)

نویسنده آن شاگرد آقا جمال

خوانساری است و رساله خود را در مقام
ردّ بر استاد و در وجوب عینی اقامه
جمعه نگاشته است^{۷۸}

۴۱- رساله فی صلاة الجمعة و

وجوبها عیناً، مولی محمد امین نبریزی
سیاح.

فیض در «الشهاب الثاقب» از آن

نقل کرده و قسمتی از آن را آورده

مجله نور علم، دوره چهارم، شماره سوم

است^{۷۹}

۴۲- نماز آدینه، مؤلف؟

این رساله در وجوب نماز آدینه
و نسخه‌ای از آن در فهرست مجلس، ج
۱۶، ص ۲۵۴ معرفی شده است.

۴۳- رساله فی وجوب صلاة
الجمعة، میرزا عبدالله افندی مؤلف
ریاض العلماء.

مؤلف در شرح حال خود در
ریاض العلماء (ج ۳، ص ۲۳۱) اشاره
به این رساله اش که در ردّ فاضل
قزوینی است، نموده است.

۴۴- صلاة الجمعة، مؤلف؟

ظاهراً در اثبات وجوب عینی
اقامه جمعه نوشته شده است، این
رساله ناقص و نسخه‌ای از آن در
فهرست کتابخانه ملک (ج ۱، ص
۳۵۳) معرفی شده است.

۴۵- رساله فی وجوب صلاة
الجمعة، مولی عبدالله بن شهاب الدین
یزدی شاه آبادی

.....

۷۵- الذریعه، ج ۱۶، ص ۶۹.

۷۶- همان.

۷۷- الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۰.

۷۸- همان.

۷۹- الذریعه، ج ۱۵، ص ۶۴.

این رساله به زبان فارسی نوشته شده و نویسنده آن از فقهای بنام او آخر دوران شاه طهماسب است، او ابتدا میانه خوبی با شاه عباس نداشته اما پس از چندی مورد توجه وی بوده است.^{۸۱} افندی در ریاض العلماء (ج ۵، ص ۱۹۷) از این کتاب نام برده است. ۴۶- نماز جمعه، مؤلف؟

رساله ای است فارسی و در اثبات وجوب نماز جمعه در عصر غیبت در دوازده بحث که تاریخ کتابت آن ۱۱۲۲ ق است و نسخه ای از آن در فهرست کتابخانه آیت الله نجفی (ج ۱۶، ص ۲۴۱، ضمن مجموعه ۶۲۶۰) معرفی شده است.

۴۷- صلاة الجمعة و وجوبها عیناً مولی محمد رفیع بن خرج گیلانی (م حدود ۱۱۶۰ ق)

مؤلف از شاگردان علامه مجلسی است و رساله هایی در این زمینه نوشته که نسخه هایی از بعضی از این رسائل در فهرست کتابخانه آیت الله نجفی (ج ۸، ص ۲۲۳) و فهرست مجلس (ج ۷، ص ۱۸۱) معرفی شده است. بین نویسنده و محمدتقی مشهدی رساله های چندی در نقد و ایراد یکدیگر رد و بدل شده و نقدی نیز به

وسیله یکی از شاگردان ملا رفیعا به نام آقا حسین بن آقا ابراهیم نوشته شده است.^{۸۱}

۴۸- صلاة الجمعة، منسوب به شیخ بهایی نسخه آن در فهرست کتابخانه ملک (ج ۵، ص ۲۲۴) چنین معرفی شده: گویا از شیخ بهایی باشد، این رساله به عربی است که در آن خبرهای وجوب نماز آدینه آمده است.

۴۹- رسالة فی وجوب صلاة الجمعة عیناً، سید هاشم بن سلیمان البحرانی (م ۱۱۰۷ ق)

نسخه ای از این رساله در فهرست کتابخانه ملی فارس ج ۲، ص ۲۹۵) شناسانده شده است.^{۸۲}

۵۰- رساله در وجوب عینی نماز جمعه، مؤلف؟

نسخه ای از آن در فهرست کتابخانه مسجد اعظم قم (ص ۴۶۱) شناسانده شده است.

۸۰- ریاض العلماء، ج ۳، ص ۱۹۵.

۸۱- الذریعه، ج ۱۵، ص ۶۵ و رک: الاجازة الکبیره، ص ۱۲۸ و فقه شیعه، ص ۲۸۳.

۸۲- روضات، ج ۸، ص ۱۸۳.

مجله نور علم، دوره چهارم، شماره سوم

۵۱- کتاب فی اثبات وجوب
صلاة الجمعة عیناً، علم الهدی بن فیض
کاشانی (م ۱۱۱۵ق)

آیت الله نجفی در ذیل تألیفات
وی در مقدمه معادن الحکمة (ج ۱، ص
۸۰) از این رساله یاد کرده است.

* ب - رساله‌هایی که در اثبات
عدم وجوب عینی و یا وجوب تخییری
اقامه جمعه در عصر غیبت نوشته شده
است:

۱- رساله صلاة الجمعة، مولی
عبدالله بن محمد تونی بشروی (م
۱۰۷۱ق)

این رساله از طرف محمد بن
عبدالفتاح تنکابنی مشهور به سراب رد
شده و برادر زاده تونی نیز کتاب
سراب را رد کرده است^{۸۳}

هر سه رساله یک جا در فهرست
کتابخانه دانشگاه (ج ۱۰، ص ۱۷۱۹)
و فهرست کتابخانه ملی (ج ۱۰، ص
۴۳۹) و فهرست مجلس (ج ۱۰، ب ۲،
ص ۸۷۴؛ ج ۷، ص ۱۷۷، ۱۸۰) معرفی
شده است. فاضل تونی در آغاز رساله
خود آورده:

جمعی از معاصران سخنی تازه
ساز کرده و بدعتی آورده گویند وجوب
عینی نماز جمعه نه مشروط به وجود
بزهشی در رساله‌های نماز جمعه در دوره صفویه

امام است و نه فقیه جامع شرایط و
غرض از نوشتن این رساله ابطال این
رأی مبتدع است. نسخه ای از این
رساله در فهرست کتابخانه آیت الله
نجفی (ج ۷، ص ۱۱۲) و فهرست
مجلس (ج ۱۲، ص ۹۳)، معرفی شده
است^{۸۴}

۲- رساله فی صلاة الجمعة،
مولی امین بن احمد

این همان برادر زاده تونی
است که نقد سراب را نوشته و در کنار
رساله تونی و سراب در فهرست مجلس
(ج ۷، ص ۱۸۰) آمده است.

۳- رساله فی صلاة الجمعة،
میرداماد.

رساله مذکور فقط یک صفحه
است که در پاسخ پرسشی نگاشته
شده مبنی بر اینکه فریضه جمعه در
عصر غیبت افضل دو واجب ظهر
و جمعه - به شرط وجود نایب عام،
که همان مجتهد جامع شرایط است -
می باشد و در صورت عدم وجود نایب
عام، واجب نخواهد بود. نسخه های آن

.....

۸۳- ریاض العلماء ج ۳، ص ۲۳۷.

۸۴- رک: برای اطلاع از نسخه‌های بیشتر به
فقه شیعه، ص ۲۳۷.

در فهرست کتابخانه آیت الله نجفی (ج ۱۸، ص ۲۱۲) و در فهرست دانشگاه (ج ۱۳، ص ۳۴۶۹) و فهرست میکروفیلیمهای دانشگاه (ج ۲، ص ۱۲۹) معرفی شده و در فقه شیعه (ص ۲۳۰) آمده: این رساله در سال ۱۳۹۷ ق در دیباجه قسبات و بار دیگر در مجموعه «اثناعشر رساله للداماد» چاپ شده است.

۴- رساله در نماز جمعه، آقا جمال خوانساری (م ۱۱۲۵ق)

این رساله در یک نسخه برای شاه سلیمان نوشته شده^{۸۵} و در نسخه ای دیگر برای شاه سلطان حسین^{۸۶}

رساله مذکور در نفی عینیت و وجوب نماز جمعه است و رسالاتی در ردّ بر آن نگاشته شده یکی از سراب^{۸۷} دیگری از سید جعفر بن حسین خوانساری^{۸۸} شاگرد دیگر آقا جمال حسین بن حسن جیلانی نیز ردی بر این رساله نوشته است^{۸۹}

او اجماعاتی حاکی از عدم وجوب عینی نماز جمعه نقل کرده و دلایل دیگری غیر از اجماع برای اثبات نظر خود برشمرده و دلائل وجوب عینی را رد کرده است^{۹۰}

۵- صلاة الجمعة، محقق کرکی

در اثبات وجوب تخییری به شرط حضور فقیه جامع شرایط و اخیراً در مجموعه رسائل محقق کرکی به چاپ رسیده است و ما محتوای آن را در بحثهای اولیه آوردیم (برای اطلاع از نسخه ها رک: فقه شیعه، ص ۱۷۶).

۶-۷- رساله در نماز آدینه، میرزا علی رضا تجلی شیرازی.

رساله مذکور در اثبات عدم وجوب عینی نماز جمعه است و نسخه ای از آن و رساله دیگری از او در ردّ بر رساله محقق سبزواری در فهرست دانشگاه (ج ۱۴، ص ۳۶۰۴) معرفی شده، محمد گیلانی بر رساله «تجلی» ردی نوشته که در همان

.....

۸۵- فهرست مجلس، ج ۱۳، ص ۲۰۲.

۸۶- فهرست مجلس، ج ۱۶، ص ۳۳۳.

و فهرست دانشگاه، ج ۱۳، ص ۳۳۷۴.

۸۷- فهرست آیت الله نجفی، ج ۱۳، ص

۸۸- الذریعه، ج ۱۵، ص ۶۸.

۸۹- الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۰.

۹۰- برای نسخه های دیگری از رساله رک:

فقه شیعه ص ۸-۲۶۷ و فهرست الفبایی

کتابخانه آستان قدس ۹-۵۸۸.

مجله نور علم، دوره چهارم، شماره سوم

فهرست، مجموعه ۴۶۵۹ ذکر شده است. گویا این همان «سراب» است که در دفاع از محقق سبزواری و ردّ بر تجلی نگاشته ای دارد^{۱۱}

۸- رساله در صلوات جمعه، محمد کاظم بن محمد حسین تویسرکانی

مؤلف از شاگردان آقا جمال خوانساری و رساله اش را در ردّ یکی از معاصرین خود که قایل به وجوب عینی نماز جمعه بوده نگاشته است. نسخه ای از آن در فهرست دانشگاه (ج ۱۱، ص ۲۵۷۳) شناسانده شده است.

۹- صلاة الجمعة، سید اسماعیل بن محمد خاتون آبادی (م ۱۱۱۶ق)

نسخه ای ناقص از این رساله در فهرست مجلس (ج ۱۰، ب ۱، ص ۴۹۱) معرفی شده و عبارت زیر از آن نقل شده است:

نماز جمعه خواندن به قصد وجوب عینی بدعت است و به قصد وجوب تخییری فضیلت اما احتیاط در خواندن ظهر است و اقامه جمعه بامعتقدان به عینیت شاید حرام.

۱۰- رساله فی صلاة الجمعة، شیخ کلب علی.

افندی رساله او را در

بژوهشی در رساله های نماز جمعه در دوره صفویه

دهنخوارقان دیده است^{۱۲} او نماز جمعه را با وجود فقیه جامع شرایط واجب می دانسته.^{۱۳}

۱۱- اللمعة فی امر صلاة الجمعة، سید حسین بن سید ضیاء الدین ابی تراب الحسن.

افندی از رساله او یاد کرده، و تاریخ اتمام آن سال ۹۶۶ بوده و به نام شاه طهماسب نوشته شده، نویسنده قایل به وجوب تخییری بوده و رساله خود را در ردّ آرای شهید ثانی نگاشته^{۱۴} و نسخه هایی از آن در فهرست گوهرشاد (ج ۱، ص ۱۹۹) و فهرست الهیات مشهد (ج ۲، ص ۶۲۰) معرفی شده است.

۱۲- رساله فی صلاة الجمعة و القول بعدم وجوبها، سید ابراهیم حسینی نیشابوری طوسی مشهدی (م ۱۰۱۲ق)^{۱۵}

.....

۹۱- الذریعة، ج ۱۵، ص ۸۰ و رک: روضات، ج ۲، ص ۳۵۳.

۹۲- ریاض العلماء، ج ۴، ص ۴۰۸.

۹۳- الذریعة، ج ۱۵، ص ۷۸.

۹۴- ریاض العلماء، ج ۲، ص ۶۶.

۹۵- الذریعة، ج ۱۵، ص ۶۳ و رک: ریاض العلماء، ج ۱، ص ۶.

۱۳- رساله فی صلاة الجمعة و عدم وجوبها عیناً فی زمن الغیبة، عبدالعالی فرزند محقق ثانی (م ۹۹۳ق)^{۱۶}

۱۴- رساله فی صلاة الجمعة واختیار نفی الوجوب العینی، علی بن هلال کرکی (م ۹۸۴ق)

از شاگردان کرکی و پدر زن شیخ بهایی بوده^{۱۷}

۱۵- رساله فی صلاة الجمعة، مؤلف؟

نویسنده آن قایل به عدم وجوب اقامه جمعه در عصر غیبت بوده و در ۱۱۰۹ق رساله اش را به پایان برده .

علامه آقا بزرگ آن را دیده است^{۱۸}

۱۶- رساله فی صلاة الجمعة، سیدحسین عاملی (م ۱۰۳۲ق)

در عدم عینیت وجوب نماز جمعه است^{۱۹}

۱۷- رساله فی صلاة الجمعة، یکی از شاگردان آقا جمال خوانساری.

سراب رساله ای در رد آقا جمال نوشته و مؤلف رساله فوق، او را در آن رد کرده، علامه آقا بزرگ رساله مذکور را که بسیار مفصل و البته ناتمام بوده دیده است^{۲۰}

۱۸- صلاة الجمعة، مؤلف؟ در نفی وجوب عینی نماز جمعه

و به عربی. در سال ۱۱۰۲ ق تألیف شده و نسخه ای از آن در فهرست ملک (ج ۶، ص ۴۹۲) معرفی شده است .

در اینجا مناسب است فهرست اسامی کسانی را که قایل به وجوب تخییری بوده اند و نام آنها را میرزا علی رضا تجلی در ردیه خود بر رساله محقق سبزواری آورده ذکر کنیم.

میرمحمد تقی استرآبادی، مولانا عبدالله تونی، میرمحمدباقر داماد، شیخ عمادالدین طبرسی، شیخ عبدالجلیل رازی قزوینی، مولانا احمد اردبیلی، میرزا احمد صاحب رجال، شیخ بهاء الدین محمد، شیخ عبدالعالی، مولانا محمد استرآبادی، شیخ لطف الله و شیخ جعفر پسرش، شیخ عبداللطیف بن علی بن ابی جامع، میرفیض تفرشی، ملامراد تفرشی، آقا حسین خوانساری، میرزا رفیعای نائینی، میرقاسم کویایی، ملارجب علی تبریزی، قاضی معز، شیخ جواد، شیخ احمد بن عبدالسلام، شیخ

۹۶- الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۳.

۹۷- الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۶-۷۷.

۹۸- الذریعه، ج ۱۶، ص ۶۸.

۹۹- الذریعه، ج ۱۶، ص ۷۰.

۱۰۰- الذریعه، ج ۱۵، ص ۶۷.

علی بن نصرالله، میرشرف الدین علی نجفی، مولانا صدرای نسابی، مولانا عبدالکریم طبسی، مولانا صدرای شیرازی، شاه تقی الدین محمدشیرازی، شاه قوام الدین حمزه شیرازی، میرنظام الدین دشتکی ابوالولی شیرازی، میرزا ابراهیم شیرازی.

رک: فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ج ۱۴، ص ۳۶۰۴ نسخه شماره ۴۶۵۹

• ج - رساله‌هایی که در حرمت نماز جمعه در عصر غیبت نگاشته شده:

۱- رساله صلاة الجمعة، بهاءالدین محمد بن حسن اصفهانی (م ۱۱۳۷ق) مشهور به فاضل هندی. او دلایلی را که طرفداران جواز اقامه جمعه در عصر غیبت ذکر کرده اند رد نموده و دلایلی بر عدم جواز آن آورده است، نسخه‌ای از آن در فهرست مجلس (ج ۹، ب ۱، ص ۱۵۶) معرفی شده است. این کتاب به سال ۱۰۹۷ ق تألیف شده است.

۲- البلغة فی اعتبار اذن الإمام فی شرعية صلاة الجمعة، شیخ حسن بن علی بن عبدالعالی کرکی (اواخر قرن دهم)

در اثبات عدم جواز اقامه جمعه پژوهشی در رساله‌های نماز جمعه در دوره صفویه

در عصر غیبت و نسخه‌ای از آن در فهرست کتابخانه آیت الله نجفی (ج ۱۲، ص ۲۸۳) معرفی شده است. تألیف آن در سال ۹۶۶ به پایان رسیده است^{۱۱}

۳- البلغة فی عدم عینة صلاة الجمعة، سیدحسین مجتهد کرکی (م ۱۰۰۱ق)

نسخه‌های آن در فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی (ج ۱، ص ۱۳۶) و فهرست مدینة العلم (ص ۱۰۱-۱۰۲) معرفی شده است^{۱۲}

۴- رساله در حرمت نماز جمعه در غیبت، خلیل بن غازی (م ۱۰۸۹ق)

افندی او را از قایلین به حرمت اقامه جمعه دانسته و می‌نویسد: او رساله طویل الذیلی دارد که من موافق آن نیستم^{۱۳} برادر مولف یعنی محمدباقر بن

.....

۱۰۱- فقه الشیعه، ص ۲۰۴ از فهرست مدینة العلم، ۱۰۳.

۱۰۲- رک: فقه الشیعه، ص ۲۰۹.

۱۰۳- ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۶۴؛ فهرست مسجد اعظم ص ۲۸۱ و رک: فقه

نمازی نیز رساله ای در تحریم دارد^{۱۰۴}

۶- اللّمة فی تحقیق صلاة الجمعة، قاضی نورالله شوشتری (۱۰۱۹ق)

در اثبات تحریم اقامه جمعه و نسخه ای از آن ضمن مجموعه^{۱۰۷} ۷۱۰۷ در فهرست کتابخانه آیت الله نجفی (ج ۱۸، ص ۲۶۰) معرفی شده است^{۱۰۵} رساله مزبور ناظر بر رساله کرکی و رد ادعای او دایر بر نقل اجماع بر وجوب تخییری با حضور نایب عام بوده و مشتمل است بر بحثی در باره روایت عمر بن حنظله و دلالت آن. (برگ ۶۴) وی کوشیده با ارائه شروط اقامه جمعه، اهمیت امامت جمعه را مهتر از منصب قضا و افتا قلمداد کند تا کسی به اولویت اختیارات فقیه استناد نکند^{۱۰۶}

۷- صلاة الجمعة، ابی الحسن معروف به مولی حسنعلی بن عبدالله شوشتری (م ۱۰۷۵ق)

در حرمت اقامه جمعه در زمان غیبت و نسخه ای از آن در فهرست مجلس، ج ۱۴، ص ۱۹۸) معرفی شده است^{۱۰۷} برای اطلاع از نسخه های دیگر رک: فقه شیعه، ص ۲۳۹.

۸- صلاة الجمعة، ملا اسماعیل بن محمد حسین خواجه جویی مازندرانی

(م ۱۱۷۳ق)

در حرمت نماز جمعه و ردّ بر الشهاب الثاقب فیض است. نسخه هایی از آن در فهرست کتابخانه آیت الله نجفی (ج ۸، ص ۲۲۲) و فهرست دانشگاه (ج ۱۶، ص ۴۵۵)، فهرست مجلس (ج ۱۰، ب ۴، ص ۱۷۳۳، ۱۷۳۶) معرفی شده است، قسمتهایی از آن را روضات (ج ۲، ص ۸۲-۸۷) نقل کرده است و برای اطلاع از نسخه های دیگر، رک: فقه شیعه، ص ۲۹۱.

۹- رساله فی حرمة صلاة الجمعة، مولی شیخ علی نقی بن شیخ ابی العلاء کمره ای (م ۱۰۶۰ق)

افندی در باره او می گوید: او در عصر امام قلی خان حاکم شیراز، قاضی آن شهر بود و در زمان وزارت خلیفه سلطان، تا پایان عمر خود، شیخ

.....

شیمه، ص ۲۴۰. نسخه ای از آن به شماره ۸۶۰۲ در کتابخانه آستان قدس موجود است. (فهرست الفبایی، ص ۶-۳۸۵).

۱۰۴- الذریعه، ج ۱۵، ص ۶۶.

۱۰۵- رک: روضات، ج ۸، ص ۱۵۹.

۱۰۶- رک: فقه الشیعه، ص ۲۱۶.

۱۰۷- الذریعه، ج ۱۵، ص ۶۹.

مجله نور علم، دوره چهارم، شماره سوم

الاسلام اصفهان شد. رساله او
در حرمت اقامه جمعه در عصر غیبت

است^{۱۰۸}

۱۰- رساله فی حرمة صلاة
الجمعة فی زمن الغيبة مطلقاً، شیخ
ابراهیم بن سلیمان قطیفی

مؤلف از علمای عصر شاه
طهماسب بوده و در موضوعات متعدد از
جمله خراج و رضاع، رد بر رساله‌ها
و فتاوی محقق کرکی نوشته است. این
رساله نیز در رد اوست^{۱۰۹}

۱۱- رساله فی صلاة الجمعة
والقول بحرمتها، حاج محمدرضا قزوینی
شهید (م ۱۱۴۶ق)^{۱۱۰}

۱۲- رساله فی صلاة الجمعة،
سلمان بن مولی خلیل قزوینی
او فرزند خلیل بن غازی است
که مانند پدرش قایل به حرمت اقامه
جمعه در عصر غیبت بود^{۱۱۱}

۱۳- صلاة الجمعة و حرمتها،
مؤلف؟

نسخه ای از آن در فهرست
سپهسالار (ج ۵، ص ۲۸۹) معرفی شده
است.

۱۴- رساله فی صلاة الجمعة
والقول بتحريمها، آقا ابراهیم مشهدی
(م ۱۱۴۸ق)

بزهشی در رساله‌های نماز جمعه در دوره صفویه

به سال ۱۱۲۰ ق نوشته شده
است^{۱۱۲}

۱۵- رساله فی صلاة الجمعة
ودفع ظنون اوجبت وجوبها فی عصر الغيبة، آقا
حسین بن آقا ابراهیم خاتون آبادی
مشهدی.

او شیخ الاسلام سپاه نادر و
رساله او تعلیفه بر رساله استادش
محمدر فیح گیلانی و در تحریم اقامه نماز
جمعه است^{۱۱۳}

۱۱۶- رساله در حرمت صلوات
جمعه، محمد جعفر بن علی اردستانی
(احتمالاً سده ۱۲).

نسخه ای از آن در کتابخانه
آیت الله گلپایگانی (فهرست، ج ۲،
ص ۸۵) موجود است.

* ۵ - رساله‌هایی که عقیده مؤلفان آن
.....

۱۰۸- ریاض العلماء، ج ۴، ص ۲۷۲.

۱۰۹- ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۷؛ تعلیق

امل الآمل، ص ۸۶؛ الذریعه، ج ۱۵، ص

۶۲.

۱۱۰- الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۱.

۱۱۱- الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۲.

۱۱۲- الذریعه، ج ۱۵، ص ۶۳.

۱۱۳- الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۰؛ الاجازة

الکبیره، ص ۱۳۲.

روشن نیست

۱- رساله فی صلاة الجمعة
وتحقیق القول فیها فی زمان النبیه، علی بن
شهاب الدین احمد بن ابی الجاصع
حارثی عاملی .

مؤلف آن از شاگردان شهید
ثانی بوده که پس از شهادت او به
کربلا گریخته و سپس به هویزه رفته
و پس از فوت، جسدش به نجف منتقل
شده است^{۱۱۴} و شاید از مذهب استادش
پیروی می کرده است .

۲- رساله فی صلاة الجمعة،
میرزا عیسی بن محمد صالح اصفهانی
پدر افندی^{۱۱۵}

۳- رساله فی الجمعة، شیخ
سلیمان بن علی بحرانی شاخوری (م
۱۱۰۱ق)

افندی از این رساله یاد کرده
است^{۱۱۶} علامه آقابزرگ نوشته :
احمد بن محمد بن یوسف خطی ضمن
رساله ای در اثبات وجوب عینی اقامه
جمعه، ردی بر شاخوری نوشته^{۱۱۷} مذهب
او در این باب تا حدودی روشن است .

۴- رساله فی الجمعة، شیخ
عبد السلام بن محمد حرّ عاملی .

شیخ حرّ از این رساله یاد
کرده است.^{۱۱۸}

۵- رساله فی حکم صلاة
الجمعة، علامه حسین بن امیر ابراهیم بن
امیر محمد معصوم حسینی قزوینی^{۱۱۹}
۶- رساله فی صلاة الجمعة،
امیر محمد تقی مشهدی معروف به
پاچناری .

مشهدی همان است که رساله
هایی در نقد و ایراد محمد رفیع
گیلانی در باره نماز جمعه نگاشته^{۱۲۰} و
از این رو تا حدودی مذهبش روشن
است .

۷- رساله فی صلاة الجمعة،
مولی محمد امین بن عبدالوهاب
رساله مزبور در ردّ الشهاب
الشاقب و نویسنده آن از شاگردان
فیض بوده است^{۱۲۱} بنا بر این تا حدودی
مذهبش روشن است .

-
- ۱۱۴- الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۵.
 - ۱۱۵- الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۸.
 - ۱۱۶- ریاض العلماء، ج ۲، ص ۴۵۱.
 - ۱۱۷- الذریعه، ج ۱۵، ص ۶۳.
 - ۱۱۸- امل الأمل، ج ۱، ص ۱۰۷؛
الذریعه، ج ۱۵، ص ۷۳.
 - ۱۱۹- روّضات، ج ۲، ص ۳۶۷.
 - ۱۲۰- الذریعه، ج ۱۶، ص ۶۸.
 - ۱۲۱- الذریعه، ج ۱۵، ص ۶۵.

مجله نور علم، دوره چهارم، شماره سوم

۸- نماز آدینه، مؤلف؟

در هشت باب به سال ۱۰۵۵ ق
نگاشته شده، نسخه ای از آن در فهرست
مجلس (ج ۱۶، ص ۲۵۳) شناسانده شده
است.

۹- صلاة الجمعة، مؤلف؟

در دو بند نوشته شده است. در
فهرست مجلس (ج ۱۶، ص ۲۵۴) معرفی
شده است.

۱۰- رسالة فی صلاة الجمعة،

سید امیرمرتضی بن ابراهیم حسینی
مازندرانی.

افندی از این رساله یاد

کرده^{۱۲۲}

۱۱- رسالة فی صلاة الجمعة،

مولی نورالدین نوروز علی بن مولی
رضی الدین محمد تبریزی

این رساله ناقص و افندی از آن

یاد کرده است^{۱۲۳}

۱۲- صلاة الجمعة مؤلف؟

نسخه آن در فهرست ملک (ج

۵، ص ۴۰۴) شناسانده شده است.

۱۳- صلاة الجمعة، مؤلف؟

نسخه آن در فهرست ملک (ج

۵، ص ۲۲۴) معرفی شده و احتمال

داده شده از شیخ بهایی باشد. شیخ از

قایلین به وجوب تخییری است.

بزهشی در رساله‌های نماز جمعه در دوره صفویه

۱۴- رساله در نماز جمعه،

محمدبن قاسم اصفهانی دیلماج (زنده
در ۱۰۸۴ق)

نسخه آن در کتابخانه آستان

قدس به شماره ۶۱۹۸ (فهرست الفبایی
ص ۸۰۴) موجود است^{۱۲۴}

۱۵- رسالة فی صلاة الجمعة،

عبدالمعلی بن محمود خادم جاپلقی
(پایان قرن دهم)

نسخه آن در دانشگاه تهران به

شماره ۱ / ۹۷۲ (فهرست ج ۵، ص
۲۰۸۹ - ۲۰۹۰) معرفی شده است.^{۱۲۵}

۱۶- صلاة الجمعة، بهاء الدین

محمدبن محمود مشرقی (قرن ۱۱)

نسخه ای از آن به شماره

۶۴۶۵ در کتابخانه آستان قدس موجود
است (فهرست الفبایی، ص ۳۸۶).

۱۷- صلاة الجمعة، سیدمحمد

تقی بن محمد صادق موسوی قاینی (قرن

۱۱)

۱۸- صلاة الجمعة، مؤلف؟

عربی است، نسخه ای از آن

.....

۱۲۲- ریاض، ج ۵، ص ۲۰۷.

۱۲۳- همان، ج ۵، ص ۲۶۰.

۱۲۴- رک: فقه شیعه، ص ۲۴۰ و فهرست

الفبایی، ص ۳۸۵، ۵۸۹.

۱۲۵- رک: فقه شیعه، ص ۲۰۸.

به شماره ۲۷۴۳ در کتابخانه آستان
قدس موجود است (فهرست الفبایی
ص ۳۸۶، ۵۸۹).

۱۹- نماز جمعه، مولانا حسن؟

رساله ای است به فارسی

ونسخه ای از آن به شماره ۱۰۸۷۵ در
کتابخانه آستان قدس موجود است
(فهرست الفبایی، ۵۸۹).

۲۰- نماز جمعه، مؤلف؟

نسخه ای از آن در فهرست

کتابخانه وزیری یزد (ج ۳، ص ۹۰۱)
به شماره ۱۲۳۰ شناسانده شده است.

۲۱- رساله فی حکم صلاة

الجمعة، مؤلف؟

نسخه ای از آن در فهرست

کتابخانه آیت الله گلپایگانی (ج ۳،
ص ۹۲) به شماره ۱۸۷۰ شناسانده
شده است.

عَلَيْهِ
عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سُرِّ النَّبِيِّ وَوَمِنْ الْقِيَامَةِ
الَّذِي بَكَتْ مِنْهُ أُمَّتُهُ